

Jurisprudence and Private Law Quarterly, Vol. 2, No. 2, (Serial 6), Summer 2025

Breach of Contractual Duty of Disclosure in Iranian, English, and French Law

Seyyed Hasan Hosseini Moghaddam¹
Ali Habibi²

Abstract:

Undoubtedly, access to information related to goods and services constitutes one of the fundamental rights of the consumer. In today's world, where goods have become increasingly complex due to the significant growth of industry and technology, it is no longer possible to properly identify the characteristics, disadvantages, or method of use of a product through traditional means. This transformation has disrupted the informational balance between the contracting parties, leaving one party—typically the consumer—in an unequal position with regard to knowledge. Under such circumstances, to restore this balance, it becomes necessary to impose a duty of disclosure upon the informed party, namely the seller or the producer. For this reason, a theory known as "the duty to provide information in contracts" has emerged in legal literature. According to this theory, the party possessing greater knowledge and information regarding the subject matter of the contract is obliged to share that knowledge with the uninformed party. This duty responds to the needs of today's consumer-oriented society, in which the buyer must be informed of essential information concerning the goods or services. In Iranian law, this duty has not been explicitly and independently recognized; however, by examining certain existing laws and principles, traces of such a duty may be inferred. In English law, there is likewise no general duty of disclosure, but custom or trade usage may serve as an important basis for the formation of such an obligation. In contrast, the new French Civil Code explicitly addresses this matter and attaches such importance to the provision of material information that its omission may lead to the annulment of the contract. In the French legal system, this duty is not only binding but also constitutes a mandatory obligation (*ordre public*) that cannot be waived even by agreement of the parties. Breach of this duty by the informed party may entail significant legal consequences, the most important of which are the relative nullity of the contract (pursuant to Article 1131 of the French Civil Code) and the imposition of damages as a sanction against the breaching party. These sanctions differ across the legal systems of Iran and England. Moreover, in Iranian law, depending on the circumstances, such breach may lead to the nullity of the contract (due to mistake as to the subject matter) or its rescission based on the right to rescind for latent defect and fraudulent misrepresentation. In English law, likewise, assuming the existence of fraudulent misrepresentation, it may render the contract voidable. For this reason, in most legal systems, disclosure to the consumer has been recognized as a fundamental obligation of the supplier, encompassing such matters as the method of using the goods, warnings concerning risks, hidden defects, and even the provision of necessary advice.

Keywords: Duty of Disclosure, Contract Law, Sanction, Legal Remedy, Consumer, Supplier, Iranian Law, English Law, French Law.

-
1. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, I.R.Iran (Corresponding author). s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir
2. PhD student in private law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, I.R.Iran. ali.habiby1@yahoo.com

فصلنامه فقه و حقوق خصوصی

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۶)، تابستان ۱۴۰۴
(صص. ۱۲۱-۱۵۴)

نقض تعهد اطلاع‌رسانی قراردادی در حقوق ایران، انگلستان و فرانسه

سید حسن حسینی مقدم^۱
علی حبیبی^۲

چکیده:

بی‌تردید، دسترسی به اطلاعات مرتبط با کالاها و خدمات، از جمله حقوق بنیادین مصرف‌کننده به‌شمار می‌رود. در دنیای امروز که با رشد چشمگیر صنعت و فناوری، کالاها پیچیده‌تر از گذشته شده‌اند، دیگر نمی‌توان از طریق شیوه‌های سنتی، به‌درستی ویژگی‌ها، معایب یا شیوه استفاده از یک محصول را تشخیص داد. این تحول، موجب شده است که تعادل اطلاعاتی میان طرفین قرارداد از بین برود و یکی از طرفین، معمولاً مصرف‌کننده، در موقعیتی نابرابر از حیث آگاهی قرار گیرد. در چنین شرایطی، ضرورت دارد تا برای بازگرداندن این تعادل، تکلیفی برای اطلاع‌رسانی بر عهده طرف آگاه، یعنی فروشنده یا تولیدکننده، قرار گیرد. به‌همین دلیل، در ادبیات حقوقی نظریه‌ای تحت عنوان «تعهد به ارائه اطلاعات در قرارداد» مطرح شده است. بر اساس این نظریه، طرفی که نسبت به موضوع قرارداد دانش و اطلاعات بیشتری دارد، موظف است آگاهی خود را در اختیار طرف ناآگاه قرار دهد. این تعهد، پاسخی است به نیازهای جامعه مصرف‌محور امروز، که در آن خریدار باید از اطلاعات اساسی درباره کالا یا خدمات مطلع باشد. در حقوق ایران، این تکلیف به‌صورت صریح و مستقل مورد شناسایی قرار نگرفته؛ اما با بررسی برخی قوانین و قواعد موجود، می‌توان نشانه‌هایی از این تعهد را استنباط کرد. در حقوق انگلستان نیز، تعهد کلی به اطلاع‌رسانی وجود ندارد، ولی عرف می‌تواند مبنای مهمی برای شکل‌گیری چنین تکلیفی باشد. درمقابل، قانون مدنی جدید فرانسه به‌صراحت به این موضوع پرداخته و ارائه اطلاعات مهم را به‌قدری بااهمیت دانسته که عدم رعایت آن، می‌تواند به بطلان قرارداد بینجامد. این تعهد در نظام حقوقی فرانسه نه تنها الزام‌آور است بلکه از نوع تعهدات آمره بوده و حتی با توافق طرفین نیز قابل اسقاط نیست. نقض این تعهد از سوی طرف آگاه، ممکن است آثار حقوقی قابل توجهی به همراه داشته باشد که مهم‌ترین آن بطلان نسبی قرارداد (وفق ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی فرانسه) و اعمال ضمانت اجرای مطالبه خسارت علیه ناقض تعهد می‌باشد. این ضمانت اجرا در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان نیز متفاوت است. کما اینکه این امر در حقوق ایران، با توجه به شرایط مختلف، ممکن است منجر به بطلان قرارداد (به‌سبب اشتباه در موضوع) و فسخ قرارداد (به سبب خیار عیب و تدلیس) گشته و در حقوق انگلستان نیز، با فرض تدلیس، منجر به بطلان قرارداد می‌گردد. به همین جهت، در اغلب نظام‌های حقوقی، اطلاع‌رسانی به مصرف‌کننده به‌عنوان یک تعهد اساسی برای عرضه‌کننده به‌رسمیت شناخته شده و موضوعاتی مانند شیوه استفاده از کالا، هشدارهای مربوط به خطرات، معایب پنهان و حتی ارائه مشاوره‌های لازم را شامل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تکلیف به اطلاع‌رسانی، حقوق قراردادها، ضمانت اجرا، مصرف‌کننده، عرضه‌کننده، حقوق ایران، حقوق انگلستان، حقوق فرانسه.

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، جمهوری اسلامی ایران.
ali.habiby1@yahoo.com

مقدمه

موضوع «حقوق مصرف» و به‌ویژه حمایت از مصرف‌کننده، از دیرباز محل توجه بوده و یکی از مهم‌ترین ابعاد آن، دسترسی به اطلاعات کافی و صحیح در خصوص کالاها و خدمات عرضه‌شده است. رابطه میان عرضه‌کننده و مصرف‌کننده در اغلب موارد مبتنی بر تعادل اطلاعاتی نبوده و این نابرابری، همواره این پرسش را به‌دنبال داشته است که در چنین وضعیت ناعادلانه‌ای، چگونه باید حقوق طرفین را تنظیم کرد؟ با پیچیده‌تر شدن محصولات و خدمات در عصر حاضر از یک‌سو، و ظهور نظریه عام تعهد به اطلاع‌رسانی از سوی دیگر، بسیاری از نظام‌های حقوقی به‌سوی حمایت بیشتر از مصرف‌کننده گرایش پیدا کرده‌اند؛ تاجایی که امروزه می‌توان تعهد به اطلاع‌رسانی را در کنار دیگر ابزارهای حمایتی مانند تعهد به ایمنی، از ارکان بنیادین حمایت از مصرف‌کننده دانست. در این راستا، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، حق مصرف‌کننده به آگاهی از اطلاعات اساسی درباره کالا یا خدمت، در مقابل تکلیف عرضه‌کننده به ارائه این اطلاعات به رسمیت شناخته شده است. برخی از نویسندگان، با اشاره به تأثیرپذیری حقوق ایران از حقوق فرانسه، بر این باورند که صرف وجود نابرابری اطلاعاتی میان طرفین، خود نشانه‌ای از عدم تعادل قراردادی بوده و عرضه‌کننده، تولیدکننده یا ارائه‌دهنده متخصص، ملزم به اطلاع‌رسانی به مصرف‌کننده است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۸). با این حال، در حقوق ایران مقررات صریح و منسجمی در خصوص تعهد به اطلاع‌رسانی وجود ندارد و این الزام صرفاً به‌صورت پراکنده در قوانین مختلف قابل استنباط است؛ برای نمونه، در قرارداد بیمه، تعهد به اطلاع‌رسانی حتی در مرحله پیش از انعقاد قرارداد مورد توجه قرار گرفته است (ایزائلو و لطفی، ۱۳۹۰: ۵۷). همچنین برخی بر این باورند که اطلاع‌رسانی صحیح در خصوص تسلیم مبیع نیز الزامی است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: الف: ۷۸).

در حقوق فرانسه، پیش از تصویب قانون جدید مدنی در سال ۲۰۱۶، دیوان عالی این کشور از طریق آرای صادره در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰، تکلیف اطلاع‌رسانی را برعهده فروشنده قرار داده بود (پاکباز، ۱۴۰۱: ۹۷). با این حال، قانون مدنی سابق فرانسه، همانند قانون مدنی ایران، به‌صورت مستقیم و صریح به این موضوع نپرداخته بود. با تصویب قانون جدید و درج ماده ۱-۱۱۱۲، فروشنده مکلف شد اطلاعات دارای اهمیت تعیین‌کننده را به خریدار ارائه دهد؛ اطلاعاتی که آن‌چنان با نظم عمومی درآمیخته‌اند که طبق همان ماده، این تعهد نه قابل اسقاط است و نه قابل تحدید. در حقوق انگلستان نیز گسترش فناوری، پیچیدگی محصولات و افزایش نابرابری اطلاعاتی، سبب شده تا رویه‌های حقوقی جدید و مطابق با نیازهای روز پدید آید. در این نظام حقوقی نیز، گرایش به الزام عرضه‌کنندگان برای ارائه اطلاعات دقیق و کافی به‌منظور حفظ تعادل

در قراردادها به‌وضوح مشاهده می‌شود.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین جایگاه تعهد به اطلاع‌رسانی در قراردادها و تحلیل ماهیت، آثار و ضمانت اجرای آن در سه نظام حقوقی ایران، فرانسه و انگلستان است. در این مسیر، ضمن بررسی مفهومی و مصداقی این تعهد، تلاش خواهد شد تا نقاط اشتراک و افتراق نظام‌های مزبور مشخص گردد.

سؤال اصلی پژوهش: نقض تکلیف اطلاع‌رسانی در حقوق قراردادهای ایران، فرانسه و انگلستان چه آثاری در پی دارد و ماهیت این تعهد در هر یک از این نظام‌های حقوقی چیست؟ آیا امکان احقاق حق در محاکم قضائی وجود دارد؟

پاسخ به این پرسش در سه مبحث ارائه خواهد شد: مبحث اول به ماهیت، انواع نقض و مراحل ارائه اطلاعات می‌پردازد؛ مبحث دوم جایگاه این تعهد در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان را بررسی می‌کند؛ و نهایتاً مبحث سوم، آثار و ضمانت اجرای نقض این تعهد را تحلیل خواهد نمود.

۱. ماهیت، انواع نقض و مراحل ارائه اطلاعات

یکی از موارد بسیار مهمی که شایسته بررسی است، ماهیت و تعهد مربوط به ارائه اطلاعات می‌باشد. توضیح آنکه قراردادی و یا غیرقراردادی بودن تعهد مذکور، از باب ضمانت اجرای جبران خسارت بسیار مهم و کاربردی است. چه اینکه اگر تعهد مذکور را قراردادی باشد یا غیرقراردادی، از باب بار اثبات ادعا، میزان خسارت و... متفاوت است. در این مبحث ضمن سه گفتار جداگانه به ماهیت ارائه اطلاعات و انواع نقض و مراحل اطلاعات می‌پردازیم چراکه قبل از آشنایی با آثار نقض تکلیف اطلاع‌رسانی، می‌بایست با ماهیت و انواع و مراحل آن آشنا شویم.

۱-۱. ماهیت تعهد به دادن اطلاعات

با توجه به اهمیت روزافزون تعهد به اطلاع‌رسانی در قراردادها، کمتر می‌توان قراردادی را یافت که فاقد چنین تعهدی باشد. به‌همین دلیل، این تعهد ممکن است چهره‌های گوناگونی به‌خود بگیرد. از این رو، برای شناخت دقیق آثار آن، ابتدا باید ماهیت تعهد به اطلاع‌رسانی را بررسی نمود. نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا این تعهد، تعهدی دفعی است که با یک‌بار انجام پایان می‌پذیرد یا آنکه تعهدی مستمر محسوب می‌شود که در طول زمان باید اجرا گردد؟ پرسش دوم نیز آن است که آیا این تعهد، تعهدی اصلی و مستقل است یا تعهدی فرعی و تبعی محسوب می‌گردد؟

۱-۱-۱. تعهد مستمر یا آنی

تعهد مستمر به تعهدی اطلاق می‌شود که اجرای آن در طول زمان تحقق می‌یابد و موضوع آن به‌طور ذاتی با گذر زمان مرتبط است. به‌عبارت‌دیگر، ماهیت این نوع تعهد به‌گونه‌ای است که تحقق آن مستلزم استمرار در طول زمان است؛ برای نمونه، در قرارداد کار که از جمله قراردادهای مستمر به‌شمار می‌آید، تعهدات کارگر و کارفرما به‌صورت تدریجی و در طول مدت مشخص شده ایفا می‌گردد (عراقی، ۱۳۸۸: ۱۷۲). در چنین قراردادی، کارگر نه تنها باید تعهدات خود را در طول زمان انجام دهد بلکه استحقاق دریافت مزد نیز به‌تدریج و در همین مدت برای وی ایجاد می‌شود؛ بنابراین، او نمی‌تواند همه تعهد خود را به‌صورت دفعی و در یک‌باره اجرا کند. این در حالی است که تعهدات آنی در لحظه‌ای مشخص اجرا می‌شوند و تحقق آن‌ها نیازی به گذشت زمان ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۴). با این توضیح، تعهد به اطلاع‌رسانی را باید در زمره تعهدات آنی دانست. به‌ویژه در مورد تعهدات پیش‌قراردادی برای ارائه اطلاعات، نظیر توضیح نحوه استفاده از کالا، این تعهد با ارائه اطلاعات مورد نیاز، اجرا شده و متعهد از آن بری‌الذمه می‌گردد. اگرچه در برخی انواع دیگر این تعهد، مانند اعلام عیوب کالا یا هشدار نسبت به خطرات، ممکن است ظاهراً استمرار دیده شود؛ اما باید توجه داشت که این تعهدات نیز در ماهیت خود آنی هستند، هرچند ممکن است در مراحل مختلف قرارداد (پیش از انعقاد و در حین اجرا) تکرار شوند.

در چنین حالتی، فروشنده یا تولیدکننده مکلف است به‌محض شناسایی خطر یا عیب، اطلاعات لازم را در اختیار طرف مقابل قرار دهد. با انجام این تکلیف، تعهد وی خاتمه می‌یابد؛ ولی اگر در آینده عیب یا خطر جدیدی کشف شود، وی باید بلافاصله اطلاع‌رسانی نماید (ذوالفقاری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۸). با وجود این، این الزام به تکرار تعهد در زمان‌های متفاوت، به معنای مستمر بودن تعهد نیست؛ چراکه این تکلیف پیوندی با عنصر زمان ندارد بلکه صرفاً در صورت بروز شرایط جدید مجدداً فعال می‌شود.

۱-۲-۱. تعهد تبعی یا اصلی

هرگاه یک تعهد در کنار تعهد دیگری در قرارداد مطرح شود، به‌نحوی که اعتبار و موجودیت آن تابع تعهد دیگر باشد، از آن به‌عنوان تعهد تبعی یاد می‌شود. در مقابل، اگر یک تعهد به‌طور مستقل وجود داشته و تحقق یا صحت آن وابسته به تعهد دیگری نباشد، در شمار تعهدات اصلی قرار می‌گیرد؛ برای مثال، تعهد ضامن نسبت به دین اصلی، تعهدی تبعی محسوب می‌شود، چراکه در دل دین اصلی میان مضمون‌عنه و مضمون‌له شکل می‌گیرد. همچنین تعهد ناشی از شروط ضمن عقد نیز، نسبت به تعهد اصلی مندرج در قرارداد، جنبه تبعی دارد و تابع آن تلقی می‌شود (کاتوزیان،

تعهد به ارائه اطلاعات می‌تواند در هر دو قالب تعهد اصلی یا تبعی ظاهر گردد. در برخی موارد، این تعهد، موضوع اصلی قرارداد را تشکیل می‌دهد و دارای ماهیت مستقل است. در چنین حالتی، یک طرف قرارداد تعهد می‌نماید که اطلاعات مشخصی را در اختیار طرف دیگر قرار دهد؛ برای نمونه، چنانچه شخص «الف» متعهد شود که اطلاعات مربوط به فرمول ساخت یک دارو را به شخص «ب» ارائه کند، ارائه اطلاعات، تعهد اصلی وی خواهد بود؛ اما در بسیاری از موارد، ارائه اطلاعات نه موضوع یک قرارداد مستقل، بلکه در ضمن تعهدات اصلی و به‌عنوان تعهدی تبعی مطرح می‌شود؛ به‌عنوان مثال، پزشک در جریان اجرای قرارداد درمان، موظف است اطلاعات لازم درباره ماهیت بیماری، روش درمان و خطرات احتمالی آن را به بیمار ارائه کند. در چنین وضعی، تعهد به اطلاع‌رسانی، در کنار تعهد اصلی پزشک (درمان بیمار)، یک تعهد فرعی و تبعی محسوب می‌شود. مفهوم تعهد به دادن اطلاعات در معنای اصلاحی آن، عمدتاً به همین نوع اخیر اطلاق می‌شود؛ یعنی مواردی که اطلاع‌رسانی، تعهدی تبعی و غیرمستقل در دل تعهدات اصلی است، مانند قراردادهای مصرف، بیمه یا سایر قراردادهای خدماتی. این امر زمانی روشن‌تر می‌شود که مبنای این تعهد را شرط ضمنی بدانیم؛ چراکه تعهد ناشی از شرط ضمن عقد، به‌صراحت در زمره تعهدات تبعی قرار می‌گیرد (شهیدی، ۱۳۹۲: ۲۳)؛ بنابراین، بسته به ساختار قرارداد و مفاد آن، تعهد به اطلاع‌رسانی ممکن است نقش یک تعهد اصلی یا تبعی را ایفا کند و تحلیل دقیق جایگاه آن نیازمند بررسی متن و شرایط خاص هر قرارداد خواهد بود.

۱-۲. انواع نقض تعهد به دادن اطلاعات

تعهد به ارائه اطلاعات می‌تواند دو جنبه داشته باشد؛ نخست انجام فعل یعنی دادن اطلاعات ضروری و مورد نیاز، و دوم خودداری از انجام فعل که به معنای ارائه نکردن اطلاعات درست است. به عبارت دیگر، این تعهد از دو بُعد مثبت و منفی تشکیل شده است؛ بُعد مثبت وظیفه ارائه اطلاعات صحیح و مرتبط را شامل می‌شود و بُعد منفی خودداری از ارائه اطلاعات غلط یا گمراه‌کننده را دربرمی‌گیرد. از این رو، نقض این تعهد نیز به دو صورت ممکن است رخ دهد؛ نقض بُعد مثبت تعهد به شکل کتمان اطلاعات است که متعهد عمداً از افشای اطلاعات ضروری خودداری می‌کند و نقض بُعد منفی تعهد وقتی است که فرد اطلاعات نادرست یا خلاف واقع ارائه می‌دهد. هر یک از این دو نوع نقض پیامدهای حقوقی و مسئولیت‌های خاص خود را دارد که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۱. کتمان اطلاعات

نقض تعهد به دادن اطلاعات گاهی ناشی از نقض جنبه مثبت این تعهد است که به عبارت ساده‌تر به معنای عدم ارائه اطلاعات ضروری و اساسی توسط متعهد است و این وضعیت را کتمان اطلاعات می‌نامند. عدم ارائه اطلاعات می‌تواند به صورت کلی یا جزئی رخ دهد (جنیدی، ۱۳۸۸: ۱۳)؛ برای نمونه، اگر تولیدکننده یک بخاری برقی هیچ اطلاعاتی درباره نحوه تنظیم درجه حرارت، احتیاط‌های لازم در استفاده و... در اختیار خریدار قرار ندهد، کتمان اطلاعات به صورت کلی رخ داده است؛ اما اگر متعهد بخشی از اطلاعات را ارائه دهد ولی اطلاعات مهمی را پنهان کند، با کتمان جزئی مواجه هستیم. مثلاً فروشنده ممکن است خطرات احتمالی ناشی از استفاده نامناسب بخاری را گوشزد کند؛ اما از بیان احتمال انفجار در دمای خاص خودداری نماید. کتمان جزئی همان تأثیر کتمان کلی را دارد و فردی که بخشی از اطلاعات را می‌گوید ولی می‌داند طرف مقابل آن را تمام حقیقت می‌پندارد، گویا کل حقیقت را کتمان کرده است و رفتار وی نوعی نقض کلی تعهد به دادن اطلاعات به شمار می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۵: ۳۲۱).

در حقوق انگلیس سکوتی که دلالت ضمنی بر هدف یا منظوری خاص داشته و باعث ایجاد تصور غلط در طرف مقابل شود، پنهان‌کاری نامیده می‌شود و از مصادیق تدلیس به شمار می‌رود. پنهان‌کاری صرفاً سکوت نیست بلکه سکوت عمدی است که متضمن فعل مثبتی برای جلوگیری از فهم واقعیت توسط طرف دیگر است. امروزه در حقوق انگلیس تدلیس و تقلب می‌تواند ناشی از فعل یا ترک فعل و کوتاهی در افشای حقایق باشد که به آن «عدم افشای متقابلانه» گفته می‌شود (ذوالفقاری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۲). همچنین تدلیس فعلی در حقوق انگلیس پذیرفته شده است؛ به‌طور مثال، پوشیدن ردای دانشگاهی به منظور وانمود کردن عضویت در دانشگاه که خلاف واقع است، تدلیس فعلی محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۵: ۳۱۶). این نوع تدلیس می‌تواند به صورت سکوت نیز بروز کند.

در حقوق اسلامی نیز کتمان اطلاعات در صورت تحقق شرایطی، تدلیس و تقلب محسوب می‌شود. این شرایط عبارت‌اند از: اول، اطلاعات کتمان‌شده به قدری اهمیت دارد که تأثیر اساسی بر اراده طرف جاهل داشته باشد؛ دوم، شخص کتمان‌کننده از اهمیت اطلاعات آگاه باشد؛ سوم، کتمان عمدی و با قصد فریب صورت گیرد؛ و چهارم، طرف دیگر از آن اطلاعات مطلع نباشد و به طریق دیگری نیز نتواند مطلع شود (سنه‌وری، ۱۳۸۴: ۲۱۶).

۱-۲-۲. اطلاع‌رسانی نادرست

متعهد به اطلاع‌رسانی ممکن است اطلاعات نادرستی را به متعهدله ارائه دهد و از این طریق تعهد

خود را نقض کند. برای اینکه اظهارات یکی از طرفین قرارداد به‌عنوان نقض تعهد به دادن اطلاعات شناخته شود، لازم است چند شرط اساسی برقرار باشد که به اختصار عبارت‌اند از: الف) ارائه اظهارات کذب در رابطه با حقایق موضوعی یا حکم موجود؛ ب) اظهارات باید نسبت به شخصی باشد که با حسن نیت عمل می‌کند؛ پ) این اظهارات صرفاً جنبه تبلیغاتی یا تعریف و تمجید نداشته باشد؛ ت) اظهارات به گونه‌ای باشد که شخص را به انعقاد قرارداد ترغیب کند و طرف مقابل به‌طور منطقی به این اظهارات اعتماد کرده باشد (جنیدی، ۱۳۸۱: ۳۱).

اظهارات نادرست ممکن است به دو صورت عمدی (متقلبانه) یا غیرعمدی (غیرمتقلبانه) صورت پذیرد. اطلاع‌رسانی غلط زمانی به شکل متقلبانه تلقی می‌شود که اطلاعات نادرست با قصد فریب و بدون اعتقاد به صحت آن به طرف مقابل داده شود. از سوی دیگر، اظهارات نادرست غیرمتقلبانه ممکن است ناشی از کوتاهی در رعایت وظیفه احتیاط و بررسی باشد یا بدون علم و آگاهی کامل از صحت یا کذب اطلاعات و بدون وجود قصد سوء انجام شود. در این حالت، گوینده به باور خود اظهاراتش را درست می‌داند، هرچند ممکن است دلایل کافی و منطقی برای اطمینان به صحت آنها نداشته باشد.

۱-۳. مراحل لزوم ارائه اطلاعات در قراردادها

اصولاً لزوم اجرای قاعده مذکور در دو مرحله پیش از انعقاد قرارداد و هنگام اجرای قرارداد (در مواردی خاص) الزامی است و طرف آگاه قرارداد موظف به دادن اطلاعات مهم و تعیین‌کننده به طرف مقابل می‌باشد (قاسمی حامد، ۱۳۹۰: ۱۰)؛ البته آنچه که ما در این پژوهش به دنبال آن هستیم، لزوم اجرای قاعده مذکور در زمان پیش از انعقاد قرارداد است؛ بنابراین توجه این پژوهش معطوف به این دوره است.

دوره پیش‌قراردادی به بازه زمانی اطلاق می‌شود که در آن دو طرف با هدف انعقاد قرارداد نهایی، با یکدیگر در ارتباط هستند تا یا به توافق نهایی برسند یا از ادامه مذاکرات منصرف شوند؛ بنابراین، اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی به معنای ارائه اطلاعات توسط هریک از طرفین به طرف دیگر در این دوره پیش از انعقاد قرارداد است که مرتبط با مسائلی است که برای اتخاذ تصمیم در خصوص بستن قرارداد ضرورت دارد (قاسمی حامد و طالب احمدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). اطلاعاتی که عدم ارائه آنها مستقیماً موجب تأثیر سوء در اجرای قرارداد می‌شود، تحت عنوان اطلاعات قراردادی شناخته می‌شوند (قاسمی حامد و طالب احمدی، ۱۳۹۰: ۱۲).

اطلاع‌رسانی قراردادی به مواردی اشاره دارد که اطلاعات برای اجرای صحیح و کامل قرارداد ضروری است، نه برای مرحله انعقاد آن؛ به‌عنوان نمونه، ماده ۳۴۲ قانون مدنی تصریح می‌کند:

«مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیلو یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلد است»؛ بنابراین، اطلاعاتی که طرفین درباره ویژگی‌ها، جنس یا مقدار مبیع به یکدیگر می‌دهند، در زمره اطلاعات پیش‌قراردادی قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، ماده ۳۵۹ قانون تجارت بیان می‌دارد که حق‌العمل‌کار باید آمر را از جریان اقدامات خود آگاه سازد و خصوصاً در صورت انجام مأموریت، فوراً اطلاع دهد. این وظیفه ارتباطی با مرحله انعقاد قرارداد حق‌العمل‌کاری ندارد و مربوط به اجرای تعهدات قراردادی است. برای تمایز میان این دو نوع اطلاع‌رسانی، برخی حقوق‌دانان چنین استدلال کرده‌اند که اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی مربوط به مرحله شکل‌گیری قرارداد است و خودداری از ارائه اطلاعات یا ارائه اطلاعات نادرست در این مرحله ممکن است موجب ایراد به رضایت طرفین شده و گاهی از وقوع قرارداد جلوگیری کند، در حالی که تعهد به اطلاع‌رسانی قراردادی پس از انعقاد قرارداد مطرح است و بر اساس آن اطلاعات لازم باید ارائه شود (جابری، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

بنابراین می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که اطلاعاتی که طرفین باید پیش از انعقاد قرارداد از آن مطلع باشند، در دسته اطلاعات پیش‌قراردادی قرار می‌گیرند و سایر اطلاعات مرتبط با اجرای تعهدات، در قالب اطلاعات قراردادی محسوب می‌شوند.

۲. ارائه اطلاعات در نظام حقوقی ایران، انگلستان و فرانسه

در نظام حقوقی ایران، می‌توانیم به‌صورت پراکنده به قوانینی برخورد نماییم که به لزوم رعایت قاعده فوق دارد و صریحاً این موضوع از حمایت نص ویژه برخوردار نیست؛ اما در حقوق فرانسه و انگلستان - که پرچمداران دو نظام حقوقی رومی، ژرمنی و کامن‌لا می‌باشند - اهمیت قاعده مذکور بیشتر جلوه می‌نماید. در دو نظام حقوقی مذکور، قاعده فوق تحت مبانی از قبیل اصل حُسن‌نیت، توافق ضمنی و... مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و نویسندگان حقوقی این دو کشور، تحت این مبانی به مطالعه قاعده لزوم ارائه اطلاعات در قراردادها پرداخته‌اند. جایگاه لزوم ارائه اطلاعات در قراردادها را در سه نظام حقوقی ایران، انگلستان و فرانسه در ذیل بررسی می‌نماییم.

۲-۱. حقوق ایران

تعهد به ارائه اطلاعات، به‌ویژه در دوران پیش از انعقاد قرارداد، به شکل مستقل و کلی در منابع حقوقی ما به‌صورت صریح مطرح نشده است؛ اما این به معنای انکار اهمیت اطلاع‌رسانی در این مرحله نیست. مبانی این تعهد را می‌توان در مقررات عام و سستی نظام حقوقی ایران یافت (طالب احمدی، ۱۳۹۰: ۱۸۱). از جمله مبانی این تعهد می‌توان به تسلیم مبیع، تطابق کالا با قرارداد و شروط

ضمنی در قراردادها اشاره کرد (قاسمی حامد و فلاح، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

برخی حقوق‌دانان بر این باورند که ریشه تعهد به دادن اطلاعات را باید در اراده طرفین قرارداد جستجو کرد و این تعهد را ناشی از اراده آنها دانست. از این منظر، در هنگام انعقاد قرارداد توافق ضمنی میان طرفین وجود دارد که بر اساس آن هر یک موظف است کلیه اطلاعات لازم و ضروری را در اختیار طرف مقابل قرار دهد. این گروه از حقوق‌دانان معتقدند: «این تعهد ریشه قراردادی دارد؛ زیرا در هر بیع، فروشنده به‌طور ضمنی ملزم می‌شود که همه اطلاعات ضروری در خصوص بهره‌برداری از مبیع و عیوب پنهان و آشکار آن را به خریدار بدهد و او را از زیان‌های احتمالی ناشی از کالا آگاه سازد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۶۵۱). علاوه بر کسب مشروعیت از اراده طرفین، تعهد به اطلاع‌رسانی بر پایه ضرورت‌های اجتماعی نیز استوار است و به لحاظ اخلاقی بر اصل حُسن نیت در هنگام انعقاد و اجرای قرارداد بنا شده است. سکوت فریبنده که برخلاف این اصل است، مصداق نقض این تعهد محسوب می‌شود (قاسمی حامد، ۱۳۷۵: ۱۰۴). در مواردی، عدم ارائه اطلاعات در دوره پیش‌قراردادی، به‌ویژه هنگامی که موضوع به جنس و وصف اصلی موضوع معامله مرتبط باشد، مانع از توافق واقعی دو اراده می‌شود. حُسن نیت ایجاب می‌کند هدف طرفین، حصول توافق نهایی و انعقاد قرارداد باشد؛ اگر مشخص شود به دلیل عدم شفافیت در مذاکرات مقدماتی، طرفین بر ماهیت قرارداد یا موضوع آن توافق نکرده‌اند، قرارداد منعقد شده باطل است و آثاری ندارد. همچنین، عدم توافق در شرایط فرعی قرارداد ممکن است موجب ایجاد خیار گردد؛ بنابراین، فقدان شفافیت در مذاکرات اولیه و دوره پیش‌قراردادی می‌تواند پایداری و اعتبار قرارداد نهایی را خدشه‌دار سازد (باریکلو و خزائی، ۱۳۹۰: ۶۵).

از جمله مقررات خاصی که وظیفه اطلاع‌رسانی در دوره پیش از انعقاد قرارداد را بر عهده طرف مطلع گذاشته، ماده ۳۵ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ است که مقرر می‌دارد اطلاعات اعلامی و تأییدیه‌های مربوط به آنها باید به‌صورت روشن، صریح، در زمان مناسب و با وسایل ارتباطی مناسب، و با رعایت حُسن نیت و توجه به افراد ناتوان و کودکان در مدت معین به مصرف‌کننده ارائه شود. اگرچه این ماده به‌صورت صریح به اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی اشاره نکرده است؛ اما به نظر می‌رسد مفاد آن قابل تعمیم به این دوره باشد.

علاوه بر این، تعهدات بیمه‌گذار در زمینه اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی از سایر قراردادها برجسته‌تر است. این تعهدات شامل: ۱- ارائه اطلاعات کامل درباره همه وقایع اساسی مرتبط با قرارداد؛ ۲- خودداری از اظهارات نادرست و رعایت صداقت و راستی در برابر بیمه‌گر است (امینی و قاسمی عهد، ۱۳۹۱: ۸۳). ماده ۱۲ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ بیان می‌کند که اگر بیمه‌گذار

عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا اظهارات کاذب نماید به نحوی که موضوع خطر را تغییر دهد یا اهمیت آن را نزد بیمه‌گر کاهش دهد، عقد بیمه باطل است، حتی اگر این امر تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. از آنجا که بیمه‌گر بر اطلاعات ارائه شده از سوی بیمه‌گذار اعتماد کرده و آنها را اساس محاسبات خود قرار می‌دهد، رعایت حُسن‌نیت و صداقت در دادن اطلاعات برای بیمه‌گذار از اهمیت فراوانی برخوردار است. مطابق ماده ۱۳ همان قانون، اگر خودداری از اظهار اطلاعات یا اظهارات نادرست با سوءنیت نباشد و صرفاً ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی باشد، عقد بیمه باطل نمی‌شود؛ اما بیمه‌گر حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

همچنین، بند ۲ ماده ۳ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگان را موظف کرده که اطلاعاتی همچون نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های پیش از مصرف، تاریخ تولید و انقضای کالا را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند. بند ۳ همان ماده نیز آن‌ها را ملزم کرده نمونه کالاهای موجود در انبار را برای فروش در معرض دید مصرف‌کنندگان قرار دهند و در صورت عدم امکان نمایش، مشخصات کامل کالا را اعلام کنند. ماده ۵ قانون مذکور نیز الزامی است بر درج برجسب قیمت یا اعلام مکتوب و روشن قیمت کالا یا خدمات به گونه‌ای که برای همه قابل مشاهده باشد.

در خصوص پذیره‌نویسی، اگر آن را نوعی قرارداد بدانیم، قانون‌گذار در قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، مؤسسان شرکت را ملزم به اطلاع‌رسانی به پذیره‌نویسان کرده است. ماده ۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت، تمام اطلاعاتی را که باید در اعلامیه پذیره‌نویسی قید شود، مشخص کرده و تخلف از آن علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی مؤسسين شرکت سهامی را نیز به دنبال دارد.

۲-۲. در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، برخلاف نظام حقوقی ایران که به‌طور ضمنی تعهد به اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی را می‌پذیرد، سال‌ها اصل حاکم بر «آگاه باش خریدار»^۱ بوده است که ریشه در فردگرایی شدید و آزادی‌های فردی دارد. بر اساس این قاعده سنتی، هر طرف قرارداد مسئول است که خود اطلاعات لازم را کسب کند و نمی‌تواند انتظار داشته باشد طرف مقابل به‌طور فعال اطلاعات را ارائه دهد (طالب احمدی، ۱۳۸۸: ۷۵). دلیل اصلی حفظ این اصل، حمایت از بازار رقابتی و همچنین دشواری تعیین دقیق حدود تکلیف اطلاع‌رسانی در مواجهه با عواقب منفی احتمالی است (عیسائی تفرشی و رحیم‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

1. caveat emptor

قاعده کلی در حقوق کامن‌لا این است که طرف قرارداد، تعهد قانونی به افشای اطلاعات به طرف دیگر ندارد. با این حال، حقوق قراردادهای مدرن انگلیس امروزه مذاکرات پیش‌قراردادی را به‌عنوان مرحله‌ای مستقل و حیاتی در شکل‌گیری قرارداد شناسایی می‌کند که در آن تعهد به افشای اطلاعات می‌تواند ضروری باشد. هدف از این تحول، ایجاد تعادل میان اصل آزادی قراردادی و حمایت از حقوق و منافع طرفین در جریان مذاکرات است (Irakli, 2017: 64).

از این رو، در برخی قوانین و آرای دادگاه‌های انگلیسی مواردی وجود دارد که در آن‌ها تکلیف به اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی به رسمیت شناخته شده است. از جمله مصادیق این تعهد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اطلاع‌رسانی پیش از انعقاد قرارداد بیمه از هرگونه اوضاع و احوالی که در تعیین مبلغ بیمه و مسئولیت بیمه‌گر مؤثر است، در حقوق انگلستان مورد توجه قرار گرفته است. مطابق ماده ۱۸ قانون بیمه دریایی مصوب ۱۹۰۶، بیمه‌گذار مکلف است کلیه اطلاعات مرتبط و مؤثر بر موضوع بیمه را به بیمه‌گر اطلاع دهد تا بیمه‌گر بتواند به درستی ریسک را ارزیابی کند و حق بیمه را تعیین نماید. این ماده به وضوح تأکید می‌کند که ارائه اطلاعات صادقانه و کامل، اساس قرارداد بیمه را تشکیل می‌دهد و هرگونه قصور در این امر می‌تواند منجر به بطلان قرارداد یا حق فسخ بیمه‌گر شود.

علاوه بر آن، در قانون بیمه انگلیس اهمیت استفاده از زبانی ساده و قابل فهم برای اطلاع‌رسانی به بیمه‌گذاران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به‌طور مشخص، ضرورت استفاده بیمه‌گران از زبان انگلیسی ساده به‌عنوان زبانی روشن و قابل فهم تأکید می‌کند تا اطمینان حاصل شود که بیمه‌گذاران به درستی مفاد قرارداد و تعهدات خود را درک می‌کنند و بدین ترتیب از وقوع سوء تفاهم و اختلافات جلوگیری می‌شود (Bloemendal, 2003: 21).

به‌عنوان مثال در پرونده Cramaso LLP v Viscount Reidhaven's Trustees که در سال ۲۰۱۴ در دیوان عالی کشور انگلستان مطرح گردید، دیوان عالی متوجه شد که در این پرونده، بیمه‌گذار هنگام انعقاد قرارداد بیمه برخی سوابق مهم مربوط به همسر خود را افشا نکرد. پس از وقوع حادثه، شرکت بیمه از پرداخت خسارت خودداری نمود و به عدم افشای اطلاعات استناد کرد. دادگاه اعلام کرد قرارداد بیمه از جمله قراردادهایی است که بر پایه حسن‌نیت ویژه استوار است؛ بنابراین، بیمه‌گذار مکلف است تمامی اوضاع و احوال مهم و مؤثر در ارزیابی خطر را افشا کند؛ حتی اگر بیمه‌گر سؤال صریحی مطرح نکرده باشد. در پایان، دیوان استدلال نمود که بیمه‌گر نه تنها مسئولیتی برای جبران خسارت نداشته، بلکه حق فسخ قرارداد را دارد.

همچنین، عرف و رویه‌های معمول تجاری در حقوق انگلیس نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین

حدود مسئولیت ناشی از عدم ارائه اطلاعات ایفا می‌کنند. عرف تجاری می‌تواند مواردی را مشخص کند که در آن عدم ارائه اطلاعات خاص، نسبت به معاملات ویژه مسئولیت آور تلقی می‌شود. بدین ترتیب، حتی در غیاب قواعد قانونی صریح، عرف می‌تواند الزاماتی را برای اطلاع‌رسانی ایجاد نماید که نقض آن مسئولیت‌زا باشد (عابدیان و خروشی، ۱۳۸۸: ۲۱۹). در برخی موارد، هریک از طرفین باید وقایعی را که می‌داند یا منطقاً باید می‌دانست به اطلاع طرف مقابل برساند؛ به‌عنوان مثال، در صورت وجود عیب پنهان در مورد معامله، افشای آن پیش از انعقاد قرارداد الزامی است. عرضه‌کننده با اطلاع‌رسانی پیش از قرارداد نسبت به عیوب، می‌تواند از مسئولیت‌رهایی یابد. بر اساس قانون شروط ناعادلانه، عرضه‌کننده نمی‌تواند با درج شرط در قرارداد، از مسئولیت افشاء معاف شود. افزون بر افشای عیب کالا، ارائه اطلاعات در خصوص ویژگی‌ها، نحوه استفاده و خطرات احتمالی کالا نیز الزامی است (قاسمی حامد، ۱۳۹۹: ۹).

در صورت وجود روابط خاص میان طرفین، ضرورت اطلاع‌رسانی در مرحله مذاکرات مقدماتی اهمیت بیشتری می‌یابد. اگر یکی از طرفین در این مرحله اظهاراتی کرده و سپس متوجه نادرستی آن شود، موظف به اصلاح و اطلاع‌رسانی است. حتی اظهارات به‌ظاهر صحیح نیز در صورتی که گمراه‌کننده باشند، می‌توانند موجب مسئولیت شوند؛ بنابراین، اگر شخصی تنها بخشی از واقعیت را بیان کند، به دلیل خودداری از افشای سایر جوانب موضوع، مسئول شناخته می‌شود (Treitel, 2003: 306). همچنین سکوت در مواردی که بر اساس عرف به منزله اظهار خلاف واقع تلقی شود، موجب مسئولیت است؛ زیرا چنین سکوتی ممکن است به این برداشت منتهی شود که هیچ نکته مهمی برای ذکر وجود ندارد (قاسمی حداد و طالب احمدی، ۱۳۹۰: ۱۹). در حقوق انگلستان، قاعده خاصی در زمینه مسئولیت پیش‌قراردادی وجود ندارد. این مسئله به‌ویژه در مواردی که اقدامات و اظهارات پیش از انعقاد قرارداد به توافق نهایی منجر نشده‌اند، موجب دشواری بیشتری در تعیین مسئولیت می‌شود و در این صورت، جبران خسارات تابع قواعد کلی مسئولیت مدنی خواهد بود (Banakas, 2009: 4).

۲-۳. در حقوق فرانسه

هم‌زمان با تدوین قانون مدنی فرانسه در سال ۱۸۰۴ میلادی، نقش محاکم به تفسیر قانون و اراده طرفین قرارداد محدود می‌شد و ایجاد توازن قراردادی صرفاً با استناد به شیوه‌های سنتی و مواد قانونی صورت می‌گرفت؛ اما به تدریج، برای برقراری این توازن، ابزارهای نوینی چون «داراشدن غیرعادلانه» و «تعهد به اطلاع‌رسانی» توسط قضات مورد استفاده قرار گرفت. توجه این روش‌های نو ابتدا مبتنی بر فرض اراده ضمنی طرفین مبنی بر پذیرش تعهد اطلاع‌رسانی در هنگام انعقاد عقد

بود؛ با این حال، امروزه این توجیه فرضی ناکافی دانسته می‌شود و باور غالب آن است که مداخله قضات در راستای برقراری تعادل قراردادی انجام می‌گیرد. نظریه تعهد به اطلاع‌رسانی برای نخستین بار توسط میشل ژو گلاز مطرح شد و متعاقب آن به‌عنوان یک قاعده کلی در نظام حقوقی فرانسه، بلژیک و لوکزامبورگ به رسمیت شناخته شد (عبدی پور و قاسم‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۵). تعهد به اطلاع‌رسانی در مرحله پیش‌قراردادی، ابتدا توسط دکترین و سپس با پذیرش قضات و قانون‌گذار در حقوق فرانسه جای گرفت، با هدف حمایت از طرف ضعیف‌تر و ناآگاه نسبت به موضوع قرارداد. این تعهد در قراردادهای خاصی همچون قراردادهای مصرف‌کننده یا بیمه، بر طرف قوی‌تر تحمیل شده است (شهیدی و شمس‌الهی، ۱۳۹۹: ۲۴۹).

تا قبل از تصویب قانون جدید فرانسه در سال ۲۰۱۶ میلادی، مقرره خاصی در خصوص لزوم ارائه اطلاعات در قراردادها (مرحله پیش‌قراردادها) وجود نداشت؛ البته دیوان عالی کشور فرانسه در آرای متعددی - به سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ - به لزوم این اصل (ارائه اطلاعات مهم) پرداخته است (پاکباز، ۱۴۰۱: ۹۷). از سوی دیگر، رویه قضائی فرانسه نیز در برخی آرای خود کوشیده است با استناد به اصل حُسن‌نیت، تعهد به اطلاع‌رسانی را به رسمیت بشناسد (Starck, 1993: 122). حقوق‌دانان فرانسوی نیز با تأثیرپذیری از همین اصل، تلاش کرده‌اند تفاسیر نوینی از مفهوم تعهد به ارائه اطلاعات ارائه دهند و آن را به‌عنوان الزامی ناشی از حُسن‌نیت در روابط قراردادی معرفی کنند (Musy, 2001: 9).

۳. آثار قانونی و قضائی عدم ارائه اطلاعات در نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه و

انگلستان

در تمامی قراردادهای تعین ضمانت اجراهای ناشی از نقض یک تعهد، همواره از چالش‌برانگیزترین مباحث در فرایند انعقاد قراردادها و ادامه حیات آن، به‌شمار می‌آید.

پرسش مهمی که در این خصوص به‌وجود می‌آید این است که با فرض عدم اطلاع‌رسانی، آیا حق اقدام قضائی برای مصرف‌کننده وجود دارد؟ از همین رو، این موضوع در نظام‌های حقوقی مختلف جایگاه ویژه‌ای یافته و با فرض تحقق شرایط لازم برای ایجاد تعهد به اطلاع‌رسانی، در صورت خودداری متعهد از ایفای این تکلیف، نقش قانون‌گذار اهمیت بیشتری می‌یابد تا با پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای مناسب، از حقوق مصرف‌کننده حمایت کند.

در پاسخ به این پرسش، بایستی اذعان نمود که علی‌الاصول، امکان احقاق حق برای ذی‌حق وجود دارد؛ اما سرنوشت قرارداد در دو مرحله پیش‌قراردادی و قراردادی متفاوت بوده و متناسب با شرایط موجود، آثار متغیری بر حیات قرارداد، مترتب می‌گردد.

بر همین اساس، در ادامه آثار و ضمانت اجرای نقض تعهد به اطلاع‌رسانی قراردادی را به صورت تطبیقی در سه نظام حقوقی مستقل مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳-۱. حقوق ایران

در حقوق ایران، برخلاف برخی نظام‌های حقوقی که به صراحت از «تعهد به اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی» سخن گفته‌اند، قانون مدنی عنوان مستقلی تحت این نام پیش‌بینی نکرده است. باین حال، روابط قراردادی در نظام حقوقی ایران بر پایه مجموعه‌ای از اصول کلی چون حاکمیت اراده، لزوم رعایت حسن نیت در تفسیر و اجرای قرارداد، منع اضرار به غیر، و لزوم پرهیز از تدلیس و فریب استوار است. همین اصول زمینه‌ای فراهم می‌آورد که در موارد خاص، سکوت یا کتمان اطلاعات مؤثر نیز واجد آثار حقوقی تلقی شود؛ بنابراین، تعهد به اطلاع‌رسانی در دوران پیش‌قراردادی به صورت عام و منسجم در منابع حقوقی ایران مشاهده نمی‌شود. باین حال، نمی‌توان اصل اطلاع‌رسانی را در این مرحله انکار کرد (خالدی دو برجی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۱). چراکه این موضوع به صورت پراکنده در برخی قوانین کشور و نیز در آثار برجسته فقها و حقوق‌دانان منعکس شده است. در همین زمینه، ماده ۱۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ بیان می‌دارد: اگر خودداری از اظهار مطالب یا ارائه اظهارات خلاف واقع از سوی بیمه‌گذار با سوءنیت همراه نباشد و صرفاً ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی باشد، عقد بیمه باطل نخواهد بود بلکه بیمه‌گر در این صورت حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

از سوی دیگر، باید میان دو مرحله تفکیک قائل شد: مرحله پیش از انعقاد قرارداد و مرحله پس از تحقق آن.

در مرحله نخست، هنوز رابطه قراردادی به معنای دقیق شکل نگرفته و بحث بر سر مسئولیت ناشی از رفتار در جریان مذاکرات است. در مرحله دوم، رابطه تعهدی ایجاد شده و هرگونه نقض، در چهارچوب قواعد حاکم بر مسئولیت قراردادی ارزیابی می‌شود. این تفکیک، در تحلیل امکان اقدام قضائی نقشی اساسی دارد؛ زیرا مبنای دعوا و نوع ضمانت اجرا در هر یک متفاوت است.

۳-۱-۱. دوره پیش‌قراردادی

در حقوق ایران، مرحله پیش از انعقاد قرارداد به عنوان یک «مرحله مستقل با نظام حقوقی مدون» تنظیم نشده است؛ باین حال، رفتار طرفین در جریان مذاکرات کاملاً خارج از نظارت حقوقی نیست. هرچند هنوز عقدی منعقد نشده تا بتوان از نقض تعهد قراردادی سخن گفت؛ اما آزادی اراده در مذاکرات مطلق تلقی نمی‌شود و طرفین مکلف‌اند از رفتار زیان‌بار، فریبنده یا مغایر با

اعتماد متعارف خودداری کنند.

در دوره پیش‌قراردادی، نمی‌توان طرفین را ملزم به افشای تمامی اطلاعات خود کرد. اصل بر تعابنی بودن معاملات است و بنابراین انتظار افشای اطلاعات تجاری یا فرصت‌های اقتصادی که کسب آن‌ها مستلزم صرف وقت و هزینه است، بدون دریافت عوض، منطقی نیست؛ برای نمونه، شرکت خودروسازی که راهکاری برای کاهش مصرف سوخت یافته است، ملزم به افشای آن نیست (طالب احمدی، ۱۳۸۸: ۱۵۹). با این حال، رعایت اصل حُسن‌نیت در نظام حقوقی ایران مستلزم افشای اطلاعات اساسی است که بر تصمیم‌گیری و تمایل طرفین تأثیر گذارند. این شفافیت زمینه شکل‌گیری اراده‌ای آگاهانه و سالم را فراهم می‌کند و به ثبات و امنیت قراردادها کمک می‌کند.

مع الوصف، در صورت عدم ارائه اطلاعات لازم، ممکن است حیات قرارداد در معرض خطر قرار گرفته و بسته به شرایط مختلف، دچار بطلان، فسخ و یا دریافت خسارت توسط ذی‌نفع از طریق طرح دعوی در محاکم قضائی گردد.

الف) بطلان

وجود قصد و رضای صحیح و کامل از مهم‌ترین شرایطی است که برای تحقق اعمال حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا ایجاد و قوام هر عمل حقوقی به اراده آزاد انسان وابسته است. قانون مدنی در ماده ۱۹۰ در مقام بیان شرایط صحت معاملات اولین شرط را به وجود قصد و رضا در معامله تخصیص داده است و زمانی که هریک از این موارد موجود نباشد، موجب بی‌اعتباری یا کم‌اعتباری قرارداد می‌گردد. در مورد عیوب اراده دو مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد: ۱- استحکام معاملات که موافق مصلحت اجتماعی است و اقتضاء می‌کند که قانون‌گذار در موارد عدم صحت، معاملات را محدود نماید و ۲- حمایت از سلامت و آزادی اراده فرد که ایجاب می‌نماید زمانی که اراده طرفین صحیح و کامل نباشد، ضمانت اجرایی در نظر بگیرد (جوانمردی و ذوالفقاری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۳۱).

یکی از عیوب اراده که به موضوع بحث نیز مربوط می‌باشد، اشتباه است. در اصطلاح حقوقی، اشتباه به معنای تصویری خلاف واقع از یک موضوع است؛ به این معنا که اعتقادات یا تصورات فرد نسبت به واقعیات خارجی با حقیقت منطبق نبوده و برخلاف واقعیت باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۴۵). مطابق ماده ۱۹۹ قانون مدنی ایران، «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست». همچنین، ماده ۲۰۰ مقرر می‌دارد که «اشتباه زمانی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد» و ماده ۲۰۱ به اشتباه در شخصیت طرف اشاره می‌کند و بیان می‌دارد: «اشتباه در شخص طرف، به صحت معامله خلل وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف، علت عمده عقد باشد». به این ترتیب، قانون مدنی ایران اشتباه مؤثر را به دو مورد

محدود کرده است: ۱- ذات یا خود موضوع معامله و ۲- شخصیت مهم طرف معامله. اما در این پژوهش، آنچه که با موضوع مرتبط می‌باشد، اشتباه در موضوع معامله است. بررسی مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ نشان می‌دهد که قانون‌گذار از عبارت «عدم نفوذ» به معنای عام استفاده کرده است که هم شامل بطلان و هم عدم نفوذ به معنی خاص می‌شود (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۵۷). همچنین، واژه «خلل» در ماده ۲۰۱ نیز به معنای بطلان در نظر گرفته شده است (شهیدی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۷۶).

با این حال، تعیین اینکه اشتباه در مورد معامله چه زمانی موجب بطلان می‌شود، مستلزم مشخص شدن معنای «خود موضوع معامله» است، موضوعی که در میان حقوق‌دانان مورد بحث و اختلاف نظر قرار گرفته است. برخی از اساتید حقوق معتقدند که منظور از اشتباه در خود موضوع، اشتباه در اوصاف اساسی و جوهری موضوع معامله است. بر اساس این دیدگاه، «هر مال شامل مجموعه‌ای از اوصاف است که آن را از سایر اشیاء متمایز می‌کند؛ بنابراین، باید مشخص شود کدام اوصاف جنبه جوهری و اساسی دارند و ماهیت موضوع معامله را تشکیل می‌دهند و با فقدان آن، خود موضوع معامله تغییر می‌یابد و کدام اوصاف فردی هستند که تغییر آن‌ها، موضوع معامله را دگرگون نمی‌سازد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۱۳). نظر دیگری نیز وجود دارد که اشتباه در صورت عرفی موضوع را مد نظر قرار می‌دهد، به این معنا که اشتباه شامل خصوصیات است که عرفاً موجب تمایز موضوع معامله از سایر اشیاء می‌شود (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). بر اساس این دیدگاه، اشتباه عرفی زمانی محقق می‌شود که آنچه طرف معامله مد نظر داشته، با آنچه واقعاً مورد معامله قرار گرفته، از نظر عرفی متفاوت و متمایز باشد. به بیان ساده‌تر، عرف آن دو را دو چیز متفاوت می‌داند، اعم از اینکه از لحاظ جنس تفاوت داشته باشند یا نه. وجه اشتراک این دو نظریه آن است که هر دو خود موضوع معامله را همان اوصاف اساسی و جوهری می‌دانند، با این تفاوت که در نظر اخیر معیار اساسی بودن وصف، عرف است، در حالی که در نظریه نخست قصد متعاقدين ملاک تشخیص است (ذاکری، ۱۳۹۴: ۶۷). در هر حال، آنچه اهمیت دارد اساسی بودن اوصاف است؛ بنابراین، زمانی که اوصافی جوهری و اساسی باشند و به طرف دیگر اطلاع‌رسانی نشود، موجب اشتباه وی در مورد این اوصاف شده و زمینه بطلان معامله را فراهم می‌آورد؛ بنابراین، در مواردی که اشتباه در اوصاف اساسی یا جانشین ذات معامله رخ دهد و این اشتباه منجر به تضییع حق یکی از طرفین گردد، قانون برای جبران چنین ضررهایی، امکان مراجعه به مرجع قضائی صالح را پیش‌بینی کرده است. فرد متضرر می‌تواند با طرح دعوی در دادگاه، خواستار ابطال معامله یا اصلاح آثار حقوقی آن شود.

ب) حق فسخ

یکی از موارد انحلال قرارداد در نظام حقوقی ایران، حق فسخ معامله است که به موجب آن، در صورت وجود نقص یا عیب در معامله، طرف متضرر می‌تواند قرارداد را فسخ کند. این حق، در مواردی که عدم ارائه اطلاعات مؤثر صورت گیرد، کاربرد ویژه‌ای پیدا می‌کند. عدم ارائه اطلاعات به معنای امتناع یا کوتاهی یکی از طرفین در افشای اطلاعات اساسی و تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری طرف دیگر است. در چنین شرایطی، عدم اطلاع طرف مقابل می‌تواند زمینه‌ساز خیارات قانونی شود و آثار حقوقی مختلفی بر معامله داشته باشد.

۱- خیار عیب

معامله همواره یک امر ساده و یکنواخت نیست و میزان پیچیدگی آن با توجه به ارزش، اهمیت و ویژگی‌های مورد معامله متفاوت خواهد بود؛ بنابراین، برای تفسیر قرارداد نباید تنها به زمان ایجاد و قبول یا الفاظ صریح نوشته بسنده کرد بلکه باید قرارداد را در موقعیت و بستر واقعی شکل‌گیری آن مورد بررسی قرار داد؛ زیرا متعاقدين نمی‌توانند تمامی نيات و مقاصد خود را به‌طور صریح در متن عقد درج کنند.

یکی از ابزارهای مهم حقوقی برای تکمیل و تفسیر قرارداد و همچنین شناخت اراده طرفین، شرط ضمنی است. شروطی که صراحتاً در عقد بیان نمی‌شوند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: شرط بنایی و شرط عرفی. شرط بنایی، شرطی است که طرفین پیش از انعقاد عقد نسبت به آن توافق کرده‌اند؛ اما در متن قرارداد ذکر نشده و با اراده طرفین در انشاء عقد وارد می‌شود. شرط عرفی، شرطی است که نه صریحاً و نه به اشاره ذکر نشده اما بر اساس عرف و عادات قراردادی، به‌عنوان شرط معهود در ذهن عرف وجود دارد و در ذهن جامعه بر قرارداد منطبق می‌شود (شهیدی، ۱۳۸۶: ۴۱).

برخی از فقها معتقدند که شروط ضمنی، از آنجا که در عرف شناخته شده و مشهورند، از مدلولات عرفی لفظ محسوب می‌شوند، خواه متعاقدين قصد داشته باشند یا نداشته باشند (نائینی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۱۲۴). این شروط ضمنی در قانون مدنی ایران نیز به شکل گسترده به کار رفته‌اند؛ از جمله ماده ۲۸۰ درباره امکان اجرای قرارداد، ماده ۳۴۴ درباره شروط متعارف و ماده ۳۵۶ درباره توابع مبیع. یکی از کاربردهای مهم شرط ضمنی، تعهد به ارائه اطلاعات لازم درباره مبیع است. در شرایط خاص، عرف، تعهد اطلاع‌رسانی را به‌منزله شرط معهود در عقد تلقی می‌کند، بدون آنکه نیاز به تصریح آن باشد؛ این مفهوم از ماده ۲۲۰ قانون مدنی نیز برداشت می‌شود: «متعارف بودن امری در عرف و عادت، به‌گونه‌ای که عقد بدون تصریح نیز منصرف از آن باشد، به‌منزله ذکر در عقد است».

براین اساس، فروشنده به‌طور ضمنی متعهد است که تمام اطلاعات ضروری در خصوص نحوه استفاده، خطرها و عیوب پنهانی کالا را در اختیار خریدار قرار دهد؛ برای نمونه، سلامت کالا به‌عنوان شرط ضمنی در عقد فروش تلقی می‌شود؛ خریدار هنگام معامله انتظار دارد کالای سالم دریافت کند و این شرط به‌طور صریح بیان نمی‌شود؛ زیرا عرفاً فرض بر سالم بودن کالا است. در صورتی که فروشنده این تعهد ضمنی را رعایت نکرده و کالای معیوب تحویل دهد، خریدار می‌تواند بر اساس خیار عیب، به محکمه مراجعه نموده و معامله را فسخ کند یا مطالبه ارجش نماید. تشخیص عیب، مطابق ماده ۴۲۶ قانون مدنی و نظر فقها، بر اساس عرف و عادت صورت می‌گیرد و ممکن است بسته به زمان و مکان متفاوت باشد. در حقوق اسلامی نیز دیدگاه‌های متنوعی در خصوص اعلام عیوب کالا به‌عنوان شکلی از اطلاع‌رسانی مطرح است (انصاری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۵۰). بنابر نظر مشهور فقهای امامیه، اعلام عیب از سوی فروشنده امری پسندیده است و در صورت خودداری وی از این اطلاع‌رسانی، خریدار حق فسخ معامله یا اخذ ارجش را خواهد داشت (علامه حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۱۴۸).

۲- خیار تدلیس

قاعده کلی و عمومی در حقوق مدنی این است که هیچ‌یک از طرفین قرارداد نباید اظهار دروغ یا اطلاعات گمراه‌کننده به طرف دیگر ارائه دهد تا از این طریق او را به انعقاد معامله وادارد. حقوق با بررسی این موضوع، هرگونه تخلف از این قاعده را تحت عنوان تدلیس قابل تعقیب می‌داند. تدلیس اصطلاحی است که از فقه و زبان عربی وارد حقوق ما شده و در لغت به معنای پوشاندن و پنهان کردن عیوب است. به بیان حقوقی، تدلیس عبارت است از رفتار فریبکارانه یا نیرنگ‌آمیز یکی از طرفین که با آگاهی یا همکاری او به منظور گمراه‌ساختن طرف دیگر انجام شده و موجب می‌شود او معامله‌ای را منعقد کند که در صورت اطلاع از واقع، به آن رضا نمی‌داد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۰۲). در تعریف دیگر، تدلیس به منزله تقصیر عمد تلقی شده و عبارت است از به اشتباه‌انداختن دیگری برای ترغیب او به صدور اعلام اراده موجد عمل حقوقی یا بالعکس برای وادار کردن او به صرف نظر کردن از معامله. در نتیجه، خمیرما به خیار تدلیس را باید نیرنگ و فریب دانست (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۳۱۴).

ماده ۴۳۸ قانون مدنی در تعریف تدلیس بر وصف فریب تأکید دارد و بیان می‌کند که تدلیس عملیاتی است که موجب فریب طرف معامله شود. این ماده، دو رکن اصلی دارد:

رکن مادی: انجام عملی که فریبنده باشد.

رکن معنوی: اثر فریبنده عمل بر طرف معامله که او را به انعقاد معامله وادارد.

برای تحقق تدلیس، عمل انجام‌شده باید موجب رغبت به معامله شود و زمان آن باید قبل از

انعقاد عقد باشد؛ چراکه هرگونه اقدام فریبکارانه در جریان اجرای قرارداد، خیار تدلیس ایجاد نمی‌کند (قنوتی و جاویر، ۱۳۸۵: ۱۷۵). منظور از عملیات در ماده ۴۳۸، تنها اعمال نیست بلکه گفتار نیز شامل آن می‌شود؛ بنابراین هر رفتار فریبکارانه، اعم از گفتار دروغ یا فعل فریبنده، می‌تواند تدلیس محسوب شود (اوصیا، ۱۳۵۶: ۳۲۴).

سکوت عمدی نیز در شرایط خاص می‌تواند تدلیس تلقی شود. هر سکوتی را نمی‌توان صرفاً سکوت دانست بلکه اگر شخص عمداً واقعیتی را پنهان سازد، این رفتار همانند سایر اعمال، در صورت وجود قصد فریب، سبب تحقق تدلیس می‌شود. با پیچیده‌شدن کالاها و گسترش فرآورده‌های صنعتی، فروشندگان موظف‌اند عیوب پنهان و دستورالعمل استفاده کالا را در اختیار خریدار قرار دهند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ب: ۲۸۳). سکوت همراه با کتمان حقیقت، از نظر عرف نوعی نیرنگ و فریب تلقی می‌شود و فقها نیز فروشنده را مکلف به بیان عیوب پنهان مبیع دانسته و خودداری از آن را تدلیس می‌دانند.

در رویه قضائی نیز، این عدم اطلاع‌رسانی، از موارد فسخ قرارداد می‌باشد؛ کما اینکه شعبه ۶۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، ضمن نقض رأی بدوی (شعبه ۵ دادگاه شهر ری)، در دادنامه خویش به شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۵۰۵۰۳۵۰ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۳ این چنین استدلال نمود:

تجدیدنظرخواهی خانم م. ق. د. به وکالت از آقای الف. ص. بطرفیت آقایان ح. ع. ت. الف. از دادنامه شماره ۹۲۲ مورخ ۱۹-۱۰-۱۳۹۴ صادره از شعبه محترم ۵ دادگاه عمومی حقوقی شهر ری که بموجب آن دعوی تأیید فسخ عقد بیع ملک به جهت خیار تدلیس به لحاظ فقد دلیل مردود اعلام شده وارد است؛ اولاً، ارشاداً متذکر می‌شود واژه «حکم به رد» در ادبیات حقوقی ایران غیرقابل استفاده هست و اگر مقنن در قانون نحوه اجرای احکام محکومیت‌های فعلی در دو مورد اشتباهی از این واژه استفاده نموده موجب برای استفاده از آن در رویه قضائی نیست. زیرا حکم راجع به ماهیت است و تصمیم در ماهیت دعوی یا پذیرش آن و صدور حکم محکومیت است و یا عدم پذیرش دعوی و موجب صدور حکم بر بی‌حقی و یا بطلان دعوی است و واژه رد ناظر به قرار می‌باشد. ثانیاً، در مورد تجدیدنظرخواهی نظر به اینکه متعاقبین کلیه اختیارات به‌جز خیار تدلیس را از خود ساقط نموده‌اند و تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود و ماده ۴۳۸ قانون مدنی و فقد ذکر شروط و اوصافی در مبیع را که واجد آن نیست از مصادیق عملیات فریبکارانه دانسته (شرح لمعه خیار تدلیس) و در تفاوت خیار تدلیس در جایی که مدلس اوصاف و شرایطی که برای معامله بیان می‌کند درحالی که مورد معامله فاقد آن اوصاف و شرایط است یا موردی که اوصافی برای معامله شرط می‌شود و یا به‌عبارتی در تفاوت خیار تخلف

از شرط و تدلیس می‌توان گفت در خیار تخلف از شرط متعاقدين به‌طور صریح و یا ضمنی بشرح و اوصاف تراضی و این اوصاف متعلق قصد آنان قرار می‌گیرد ولی در مورد تدلیس مدلس کار یا عمل خود را به گونه‌ای وصف و بیان می‌کند که این وصف و بیان مؤثر در تحریک طرف معامله به انجام آن براساس این وصف است. ثالثاً، هرچند بیان اوصاف مورد معامله از جانب فروشنده خریدار را مانع از انجام تحقیق در مورد معامله قبل از انجام آن نمی‌سازد ولی با عنایت به اینکه تشخیص مسکونی و یا زراعی بودن ملک در زمره اختیارات دستگاه‌های دولتی است و شاید برای خریدار امکان تفحص و استعمال از مراجع فوق به جهت ذی‌سمتی فراهم نبوده و رابعاً، فروشنده با مسطح کردن زمین موجبات خدعه و فریب خریدار را بر اینکه ملک دارای کاربری زراعی نبوده بلکه مستعد برای ساخت‌وساز می‌باشد و این اقدام تحریک خریدار را به انجام معامله برای ملکی که در این راستا جستجو می‌کرد فراهم ساخته و با عنایت به اینکه طرفین در متن عقد نیز قید کاربری مسکونی را قید کرده‌اند ولی مکاتبات بعدی دوایر دولتی مؤید کاربری زراعی مبیع می‌باشد و خریدار نیز با اطلاع از آن در مهلت عرفی با ارسال اظهارنامه خیار خود را اعمال داشته لذا در دعوی خواهان از ناحیه دادگاه محترم صادرکننده رأی تجدیدنظر خواسته موافق قانون و قصد قراردادی متعاملین نبوده و مستوجب تأیید نمی‌باشد و دادگاه به استناد مواد فوق و ۳۴۸ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ضمن نقض آن حکم به تأیید فسخ بیع را صادر و اعلام می‌دارد رأی غیابی است و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه است و اعلام می‌دارد دادگاه محترم بدوی نسبت به استرداد افزایش خواسته اظهارنظری ننموده است.

تمام نظام‌های حقوقی تفاوتی بین عملیات فریبکارانه واقعی و اعمالی که صرفاً برای ترغیب دیگران انجام می‌شود قائل می‌شوند. در بسیاری موارد، معامله‌گران برای جلب مشتری از اغراق‌های معمولی استفاده می‌کنند؛ اما این موارد قابل سرزنش و تحت عنوان تدلیس قرار نمی‌گیرند؛ بنابراین، عنوان تدلیس زمانی اعمال می‌شود که عرف آن را ناپسند و قابل سرزنش بدانند.

رکن معنوی تدلیس زمانی تحقق می‌یابد که عمل فریبنده، اثر واقعی بر طرف مقابل داشته و او را به انعقاد معامله ترغیب کند. اگر طرف با اطلاع از واقع معامله کرده یا فریب مؤثر واقع نشده باشد، خیار تدلیس ایجاد نمی‌شود.

تدلیس ممکن است در علت عمده عقد رخ دهد که در این صورت از عیوب اراده محسوب شده و سبب بطلان معامله می‌شود. همچنین، تدلیس به معنای اصطلاحی، شامل اوصافی است که هرچند علت عمده عقد نیستند؛ اما تمایل طرف را تحت تأثیر قرار داده و او را به معامله ترغیب

می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۴.ب: ۲۹۱).

اصولاً تدلیس به دو شکل انجام می‌شود:

شکل اول: اظهار چیزی که صفت کمالی را در مورد معامله القا می‌کند.

شکل دوم: اخفاء صفت نقصی که در موضوع معامله وجود دارد.

۳- خیار تخلف از وصف

یکی از مهم‌ترین اختیارات در حقوق مدنی ایران، خیار تخلف از وصف است که ارتباط مستقیم با عدم ارائه اطلاعات یا ارائه اطلاعات نادرست درباره اوصاف اساسی کالا دارد. اوصاف اساسی کالا به ویژگی‌هایی گفته می‌شود که رغبت و تمایل طرف معامله را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ اما لزوماً علت عمده عقد محسوب نمی‌شوند. عدم ارائه اطلاعات صحیح در مورد این اوصاف می‌تواند زمینه ایجاد خیار تخلف از وصف را فراهم آورد و حق فسخ معامله را برای طرف متضرر ایجاد کند.

در مورد خیار تخلف از وصف، بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را جزئی از خیار رویت می‌دانند و برای آن وجود مستقل قائل نیستند (کاتوزیان، ۱۳۸۴.ب: ۱۵۹)؛ اما برخی دیگر، وجود مستقل خیار تخلف از وصف را تأیید کرده و آن را یکی از اقسام اختیارات می‌دانند (شهیدی، ۱۳۸۲: ۵۶).

مطابق ماده ۴۱۰ قانون مدنی، هرگاه کسی مالی را ندیده و صرفاً بر اساس توصیف یا نمونه کالا اقدام به خرید نماید، و پس از مشاهده مشخص شود که کالا فاقد اوصاف ذکر شده است، حق فسخ معامله برای او محفوظ است. برخی در این خصوص تأکید می‌کنند که اگر طرفین معامله کالای مورد نظر را ندیده باشند و تنها با اعتماد به اوصاف یا نمونه آن اقدام به معامله کنند، و پس از تحویل کالا مشخص شود که کالا با اوصاف ذکر شده مطابقت ندارد، خیار تخلف از وصف برای متضرر ایجاد می‌شود (صفایی، ۱۳۹۱: ۳۱۴).

نمونه‌های کاربردی این خیار در معاملات امروزی فراوان است؛ برای مثال، در خرید یک تلفن همراه، یکی از اوصاف اساسی مورد نظر خریدار ظرفیت و عملکرد باتری است که با مشاهده مستقیم قابل تشخیص نیست. اگر فروشنده این اطلاعات را ارائه ندهد، خریدار می‌تواند بر اساس خیار تخلف از وصف معامله را فسخ کند. مشابه آن، در خرید عطر یا سایر کالاهای صنعتی، عدم اطلاع‌رسانی درباره ویژگی‌های کلیدی، حق فسخ را برای خریدار ایجاد می‌کند.

کما اینکه دادنامه ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۴۴۰۰۳۶۰ از شعبه ۵۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز در موضوع مشابه با این حق، این چنین استدلال می‌نماید: «نظر به اینکه برابر ماده ۲۳۴ قانون مدنی،

شرط صفت عبارت است از شرط راجع به کیفیت یا کمیت مورد معامله و در مانحن فیه، آنچه که توسط خواهان به عنوان نامرغوب بودن مصالح به کاررفته در ساختمان مطرح گردیده، از مصادیق شرط صفت محسوب می‌شود؛ زیرا خواهان مدعی است مورد معامله دارای کیفیتی کمتر از آن چیزی است که باید داشته باشد و خواننده از ارائه اطلاعات لازم، به صورت عامدانه سکوت نموده است؛ مع الوصف؛ نظر به اینکه مطابق ماده ۲۳۵ قانون مدنی، هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست، کسی که شرط به نفع او شده است خیار فسخ خواهد داشت؛ بنابراین ضمانت اجرای تخلف از شرط صفت، حق فسخ معامله است و...».

در نتیجه، خیار تخلف از وصف نقش مهمی در حمایت از اراده آگاهانه طرفین، جلوگیری از ورود ضرر به طرف ناآگاه و تقویت امنیت و عدالت در معاملات دارد. این خیار نشان می‌دهد که ارائه اطلاعات دقیق درباره اوصاف اساسی کالا نه تنها یک الزام اخلاقی و عرفی، بلکه یک ضرورت حقوقی است که تضمین کننده سلامت و مشروعیت معاملات محسوب می‌شود.

۳-۱-۲. پس از انعقاد قرارداد

تعهد به اطلاع‌رسانی صرفاً محدود به مرحله پیش از انعقاد قرارداد نیست بلکه پس از تشکیل عقد نیز استمرار می‌یابد. فروشنده مکلف است خریدار را به گونه‌ای بر کالا مسلط سازد که امکان بهره‌برداری مطلوب و متعارف از آن فراهم شود. این امر تنها به تحویل فیزیکی کالا منحصر نمی‌شود بلکه شامل ارائه راهنمایی‌های لازم در خصوص نحوه استفاده صحیح، شرایط نگهداری و شیوه‌های بهره‌برداری ایمن نیز هست. چنین الزامی ریشه در تعهدات قراردادی دارد و از مقتضیات عرفی و عقلایی عقد بیع محسوب می‌شود.

افزون‌براین، تعهد اطلاع‌رسانی ماهیتی پویا دارد؛ بدین معنا که اگر فروشنده پس از انتقال کالا و در هر زمانی، از وجود عیوب یا خطرات جدید در آن آگاه شود یا اطلاعات تازه‌ای در این خصوص به دست آورد، مکلف است مراتب را به خریدار یا مصرف‌کننده اعلام نماید. این اطلاع‌رسانی ممکن است ناظر بر توصیه به خودداری از ادامه استفاده از کالا، ارائه دستورالعمل‌های ایمنی برای پیشگیری از خسارات احتمالی، یا حتی اصلاح و تکمیل اطلاعات پیشین باشد.

در مواردی نیز ممکن است مشخص شود اطلاعاتی که پیش‌تر در اختیار خریدار قرار گرفته، ناقص، نادرست یا گمراه‌کننده بوده است. در چنین وضعیتی، فروشنده موظف است با اعلام صحیح واقعیت، از تداوم ضرر جلوگیری کند. بدین ترتیب، تعهد به اطلاع‌رسانی پس از عقد، جلوه‌ای از اصل حُسن نیت در اجرای قرارداد و وسیله‌ای برای حمایت از سلامت و امنیت طرف

مقابل محسوب می‌شود و نقش مهمی در تضمین عدالت قراردادی و جلوگیری از ورود خسارت ایفا می‌کند (جابری، ۱۳۸۶: ۷۶).

الف) حق حبس

بی‌تردید هدف واقعی از انعقاد عقد بیع صرفاً انتقال صوری مالکیت میباید و ثمن در عالم اعتبار نیست. مالکیت در اینجا بیشتر وسیله‌ای برای انتفاع و بهره‌برداری از مال محسوب می‌شود، نه غایت نهایی معامله. آنچه طرفین را به انعقاد قرارداد سوق می‌دهد، دستیابی به منافع و کارکردهای اقتصادی و عملی مورد معامله است؛ از این رو، انتقال مالکیت را باید ابزار تحقق این هدف دانست، نه خود هدف. به همین جهت گفته می‌شود انگیزه و محرک واقعی هریک از طرفین، دستیابی به تعهد متقابل طرف دیگر است (کاتوزیان: ۱۳۸۴ الف: ۱۴۲).

قانون‌گذار به منظور حفظ تعادل و توازن در عقود معوض، مقرراتی را پیش‌بینی کرده است که بیانگر وجود همبستگی و تقابل میان دو عوض است. در چنین قراردادهایی، تعهد هریک از طرفین در ارتباط مستقیم با تعهد طرف مقابل قرار دارد و اجرای یکی، در اصل، وابسته به اجرای دیگری است.

نتیجه این پیوند و تقابل آن است که هریک از طرفین می‌تواند اجرای تعهد خویش را منوط به اجرای تعهد طرف مقابل سازد؛ به گونه‌ای که تا زمانی که یکی از طرفین از تسلیم مورد تعهد خودداری کند، طرف دیگر نیز حق دارد از انجام تعهد خویش امتناع ورزد. این سازوکار حقوقی که در فقه و حقوق تحت عنوان حق حبس شناخته می‌شود، ابزاری برای تضمین اجرای متقابل تعهدات و جلوگیری از برهم خوردن تعادل قراردادی است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۳۶).

بدین ترتیب، همبستگی میان عوضین در عقد معوض، نه تنها بیانگر ارتباط ساختاری تعهدات است بلکه تضمین‌کننده عدالت قراردادی و مانع از تحمیل یک‌جانبه تعهد بر یکی از طرفین خواهد بود.

ب) الزام به ایفای تعهد

در عقد بیع، بخش قابل‌توجهی از تعهدات بر عهده بایع قرار دارد؛ تعهداتی که تحقق هدف اقتصادی قرارداد و امکان بهره‌برداری خریدار از میباید، وابسته به اجرای صحیح آن‌هاست. هر تعهد حقوقی، به طور منطقی، با ضمانت اجرا همراه است و در صورت نقض، آثار و پیامدهای خاص خود را به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین این ضمانت‌اجراها، الزام متعهد به ایفای تعهد است که به‌عنوان اصلی‌ترین شیوه جبران نقض قرارداد شناخته می‌شود.

در چهارچوب بحث حاضر، الزام به ایفای تعهد در دو فرض قابل طرح است. نخست، زمانی

که فروشنده از تسلیم مبیع خودداری می‌کند. از آنجا که تسلیم کالا از تعهدات اساسی بایع در عقد بیع محسوب می‌شود، امتناع وی از انجام این تعهد، به خریدار این حق را می‌دهد که از طریق مراجعه به مرجع قضائی، الزام فروشنده به تسلیم مبیع را مطالبه نماید. در چنین حالتی، اصل بر اجرای عین تعهد است و تا حد امکان باید قرارداد به همان صورتی که منعقد شده، اجرا گردد.

حقوق ایران، به پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه، اصل را بر الزام متعهد به اجرای عین تعهد قرار داده است؛ بنابراین، تا زمانی که ایفای تعهد ممکن باشد، توسل به فسخ قرارداد جایز نیست. این رویکرد مبتنی بر اصل لزوم قراردادها است؛ بدین معنا که عقود منعقد شده برای طرفین و قائم مقام آنان لازم‌الاتباع بوده و تنها در صورت اقاله با تراضی یا وجود سبب قانونی برای فسخ، الزام به وفای به عهد زایل می‌شود. در نتیجه، اجرای عین تعهد، ضمانت اجرای اصلی و مقدم بر سایر راهکارهاست.

قانون مدنی نیز بر اصل الزام به اجرای تعهد تأکید دارد. به موجب ماده ۲۲۰ قانون مدنی، عقود نه تنها طرفین را به اجرای مفاد تصریح شده در قرارداد ملزم می‌کند بلکه آنان را نسبت به تمامی نتایجی که به موجب عرف، عادت یا قانون از عقد حاصل می‌شود نیز متعهد می‌سازد. این حکم نشان می‌دهد که دامنه تعهدات قراردادی محدود به الفاظ عقد نیست بلکه آثار ضمنی و قانونی آن را نیز دربرمی‌گیرد.

همچنین، ماده ۳۷۶ قانون مدنی در خصوص ضمانت اجرای تأخیر در تسلیم مقرر می‌دارد که در صورت امتناع از تسلیم مبیع یا ثمن، ممتنع اجبار به تسلیم می‌شود. بدین ترتیب، قانون‌گذار صراحتاً الزام به اجرای عین تعهد را به عنوان ضمانت اجرای اصلی در عقد بیع پذیرفته است. بدیهی است احقاق این امر، در محکمه قضائی صورت می‌گیرد.

مبنای دیگر الزام به ارائه اطلاعات درباره مبیع، پذیرش وجود شرط ضمنی اطلاع‌رسانی در تمامی عقود بیع است. بر این اساس، فروشنده به طور ضمنی متعهد است اطلاعات لازم درباره نحوه بهره‌برداری، عیوب آشکار و پنهان و خطرات احتمالی کالا را به خریدار اعلام کند. این تعهد را می‌توان از دو جهت تحلیل کرد: نخست، به عنوان شرط ضمنی عرفی اعلام هشدار و عیوب کالا و دوم، بر پایه دلالت عرف بر سلامت و ایمنی متعارف کالا.

برخی از اساتید حقوق بر این باورند که فروشنده در هر بیع، به طور ضمنی ملتزم است خریدار را از زیان‌های احتمالی ناشی از کالای فروخته شده آگاه سازد. در این صورت، تعهد اطلاع‌رسانی چهره‌ای از شرط فعل پیدا می‌کند و در صورت تخلف، می‌توان الزام متعهد را به ایفای آن درخواست نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۳۰).

به موجب ماده ۲۳۷ قانون مدنی، در شرط فعل، شخص متعهد مکلف به انجام آن است و در صورت تخلف، طرف مقابل می‌تواند از دادگاه تقاضای اجبار به وفای شرط نماید. همچنین مطابق ماده ۲۳۸ قانون مدنی، هرگاه اجبار متعهد ممکن نباشد ولی انجام فعل توسط شخص دیگری مقدور باشد، دادگاه می‌تواند آن را به هزینه متعهد اجرا کند؛ بنابراین، در صورت خودداری فروشنده از اطلاع‌رسانی، اصل بر الزام وی به انجام تعهد است و در صورت تعذر، امکان اجرای آن توسط شخص ثالث به هزینه متعهد وجود خواهد داشت؛ امری که نشان‌دهنده جایگاه الزام‌آور تعهد اطلاع‌رسانی در چهارچوب شروط ضمنی قرارداد است.

پ) حق فسخ قرارداد

یکی از مهم‌ترین آثار نقض تعهد به ارائه اطلاعات، ایجاد حق فسخ برای خریدار است. این ضمانت اجرا مؤثرترین شیوه جبران زیان خریدار به‌شمار می‌رود؛ زیرا با انحلال قرارداد، تعادل از دست‌رفته میان عوضین اعاده می‌شود. در نظام حقوقی ایران، این حق از سه مبنا قابل تحلیل است:

۱- چنانچه ارائه اطلاعات بخشی از تعهد فروشنده تلقی شود و تسلیم آن ممکن نگردد، موضوع می‌تواند مشمول قاعده تعذر تسلیم باشد. در حقوق ایران صرف امتناع متعهد موجب حق فسخ نیست بلکه ابتدا باید الزام وی به اجرای تعهد درخواست شود (ماده ۳۷۶ ق.م). هرگاه اجبار متعهد ممکن نباشد و اجرای تعهد از سوی شخص ثالث نیز مقدور نگردد (ملاک ماده ۲۳۸ ق.م)، برای خریدار حق فسخ ایجاد می‌شود. گرچه قانون مدنی صراحتاً از «خیار تعذر تسلیم» نام نبرده؛ اما از مواد ۲۳۹، ۲۴۰، ۳۸۰، ۴۷۶ و ۵۳۴ می‌توان این نهاد را استنباط کرد؛ بنابراین اگر ارائه اطلاعات ضروری ممکن نباشد، خریدار می‌تواند به استناد تعذر تسلیم، قرارداد را فسخ کند (صفایی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۰۱).

۲- چنانچه تعهد به ارائه اطلاعات به‌عنوان **شرط ضمنی فعل** در قرارداد شناسایی شود، تخلف از آن تابع قواعد شروط ضمن عقد خواهد بود. مطابق ماده ۲۳۹ ق.م، هرگاه اجبار مشروط‌علیه به انجام شرط ممکن نباشد و انجام آن توسط دیگری نیز مقدور نباشد، طرف مقابل حق فسخ خواهد داشت؛ بنابراین در صورت عدم امکان اجرای تعهد اطلاع‌رسانی، خریدار می‌تواند به استناد خیار تعذر شرط عقد را منحل کند.

۳- سلامت کالا معمولاً به‌عنوان شرط ضمنی عرفی در قرارداد بیع مفروض است. تعهد به اعلام عیوب نیز از همین شرط سرچشمه می‌گیرد. اگر فروشنده درباره معیوب بودن کالا اطلاع‌رسانی نکند، درواقع از شرط صفت تخلف کرده است. مطابق ماده ۲۳۵ ق.م، هرگاه شرط صفت موجود نباشد، شخصی که شرط به نفع او شده است، حق فسخ خواهد داشت. در نتیجه، کتمان

عیب یا ارائه اطلاعات نادرست درباره وصف سلامت، می‌تواند مبنای فسخ قرارداد قرار گیرد. بدین ترتیب، نقض تعهد اطلاع‌رسانی بسته به تحلیل حقوقی آن، ممکن است تحت عنوان تعذر تسلیم، تعذر شرط یا تخلف از شرط صفت، برای خریدار حق فسخ ایجاد کند؛ امری که نشان‌دهنده جایگاه بنیادین این تعهد در حفظ تعادل قراردادی است.

ت) مطالبه خسارت

علاوه بر حق فسخ قرارداد، نقض تعهد به ارائه اطلاعات درباره مبیع می‌تواند مبنای مطالبه خسارت نیز قرار گیرد. طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران، هر شخصی که به وسیله عمل خود موجب ورود ضرر به دیگری شود، موظف است آن را جبران کند؛ بنابراین، اگر فروشنده از اطلاع‌رسانی درباره مشخصات، ویژگی‌ها یا عیوب مبیع خودداری کند یا اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده ارائه دهد و این امر سبب ورود خسارت مالی یا معنوی به خریدار گردد، وی حق دارد از راه قانونی مطالبه خسارت وارده را دنبال کند.

خسارات قابل مطالبه در این زمینه می‌تواند شامل موارد متعددی باشد: از جمله هزینه‌های اضافی ناشی از استفاده نادرست کالا، کاهش ارزش اقتصادی مبیع، خسارت ناشی از توقف تولید یا بهره‌برداری، و سایر زیان‌های مستقیم و متعارف که به سبب نقض تعهد اطلاع‌رسانی به خریدار تحمیل شده است.

این ضمانت اجرا، علاوه بر حق فسخ قرارداد، نقش مکمل دارد و هدف آن تأمین جبران متناسب با زیان وارده و حفظ تعادل قراردادی میان طرفین است. در واقع، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، سازوکاری برای جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که خریدار می‌تواند ضمن استفاده از خیارهای قانونی مانند خیار تعذر تسلیم یا تخلف از شرط صفت، خسارت خود را نیز مطالبه نماید.

به این ترتیب، حقوق مدنی ایران با لحاظ این ماده، هماهنگی میان حق فسخ و حق مطالبه خسارت را برقرار کرده است؛ به نحوی که اجرای تعهدات ضمن عقد تنها محدود به وفای به عهد نیست بلکه رعایت اصول اطلاع‌رسانی و جبران زیان ناشی از کوتاهی در این زمینه را نیز شامل می‌شود و از این منظر، تعهد به ارائه اطلاعات نه تنها یک تکلیف قراردادی، بلکه یک مسئولیت مدنی نیز محسوب می‌گردد.

۳-۲. حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، تکلیف به ارائه اطلاعات از اصول اساسی در روابط قراردادی است و هدف آن

تضمین رضایت واقعی و آگاهانه طرفین معامله است. این تکلیف به موجب اصلاحات اخیر قانون مدنی فرانسه در سال ۲۰۱۶ به‌روشنی بیان شده است، به‌طوری‌که مطابق ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی، هریک از طرفین قرارداد موظف است اطلاعاتی را که برای تصمیم‌گیری طرف دیگر اهمیت اساسی دارد، در اختیار او قرار دهد. این بدان معناست که هرگاه یکی از طرفین به اطلاعاتی دسترسی داشته باشد که طرف مقابل از آن بی‌اطلاع است و این اطلاعات برای تصمیم‌گیری به انعقاد قرارداد اهمیت اساسی دارد، ارائه آن اطلاعات الزامی است. رعایت این تکلیف نه تنها جنبه اخلاقی و انصاف دارد، بلکه در چهارچوب حقوقی موجب اعتبار تصمیم طرفین و استحکام قرارداد می‌شود.

به‌نظر برخی از حقوق‌دانان فرانسوی قبل از تصویب قانون جدید، عدم ارائه اطلاعات، بسته به زمان قرارداد ممکن است متفاوت باشد. این افراد معتقدند که بسته به زمان پیش از انعقاد قرارداد و یا اجرای قرارداد، قواعد مربوط به مسئولیت قراردادی و یا مسئولیت مدنی اعمال می‌گردد. به‌عبارتی مسئولیت اخیر می‌تواند بر حسب اینکه تعهد متعهد، قراردادی یا غیرقراردادی توصیف شود، ماهیتی قراردادی یا غیرقراردادی داشته باشد. اگر لزوم ارائه اطلاعات در مرحله پیش از انعقاد قرارداد باشد مسئولیت غیرقراردادی است. درمقابل چنانچه اطلاعات مربوط به مرحله اجرای قرارداد باشد، بدون تردید، نقض تعهد مبنی بر دادن اطلاعات، مسئولیت قراردادی متعهد را نیز به‌دنبال خواهد داشت (Starck, 1993: 118). با تصویب قانون جدید، ضمانت اجرای تخلف از ارائه اطلاعات در بند پایانی از ماده ۱-۱۱۱۲ مشخص گردید. وفق ماده فوق: «... علاوه بر مسئولیتی که شخص، متعهد به اطلاع‌رسانی دارد، عدم انجام این تکلیف، می‌تواند تحت شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۱۱۳۰ و مواد بعد از آن، منجر به ابطال قرارداد گردد» (پاکباز، ۱۴۰۱: ۹۵). ماده ۱۱۳۰ قانون مرقوم، در خصوص عیوب اراده، از قبیل اشتباه، تدلیس و اکراه می‌باشد. به موجب ماده ۱۱۳۱ عیوب اراده، موجب بطلان نسبی قرارداد می‌باشد. مواد ۱۱۳۲ الی ۱۱۴۴ به بحث در خصوص عیوب اراده پرداخته است. مواد ۱۱۳۲ (بطلان به دلیل اشتباه در اوصاف اساسی موضوع تعهد و یا اوصاف اساسی طرف قرارداد)، ۱۱۳۹ (اشتباه ناشی از تدلیس مربوط به ارزش موضوع معامله یا صرف انگیزه انعقاد قرارداد) و ۱۱۴۲ (اکراه) به بطلان قرارداد پرداخته است؛ اما از آنجایی که قاعدتاً، مبحث اکراه، با موضوع پژوهش ناهمگونی داشته و خروج موضوعی دارد؛ بنابراین تخلف از تعهد مربوطه، می‌تواند حسب مورد تحت عنوان تدلیس یا اشتباه زمینه‌ساز انحلال قرارداد محسوب شود و یا در صورت اجتماع ارکان مسئولیت مدنی، موجب تحقق مسئولیت غیرقراردادی متعهد گردد (شهیدی و شمس‌الهی، ۱۳۹۹: ۲۵۰).

در عمل نیز دادگاه‌های فرانسه این تکلیف را اجرایی می‌دانند؛ برای مثال، در حکمی که در ۱۴

مه ۲۰۲۵ از سوی دادگاه عالی فرانسه در پرونده شماره ۲۳-۱۷,۹۴۸ صادر شد، دادگاه تأکید کرد که اطلاعاتی که تکلیف به اطلاع‌رسانی در مورد آن‌ها وجود دارد باید دارای رابطه مستقیم و ضروری با موضوع قرارداد یا کیفیت طرفین باشد و اهمیت تعیین‌کننده‌ای برای رضایت طرف مقابل داشته باشد؛ اگر این دو شرط وجود نداشته باشد، نقض تکلیف پیش‌قراردادی قابل استناد در دادگاه نیست (Frenchlaw.blog, 2025).

براین اساس، طرف زیان‌دیده می‌تواند با مراجعه به دادگاه‌های حقوقی فرانسه، ادعای نقض تکلیف ارائه اطلاعات را مطرح کند و ثابت کند که اطلاعات لازم برای انتخاب آگاهانه در قرارداد مطرح نبوده یا ناقص ارائه شده است. در این صورت دادگاه می‌تواند حکم به جبران خسارت (مطالبه مالی) صادر کند یا اگر نقض اطلاعات موجب ایجاد عیب در رضایت ارادی شده باشد، قرارداد را باطل یا قابل ابطال اعلام نماید.

۳-۳. در حقوق انگلیس

حقوق انگلیس، بر مبنای دکنترین «خریدار مواظب باش» قائل به عدم وجود تعهد به افشای اطلاعات هستند و خریدار بایستی شخصاً اقدامات احتیاطی لازم جهت کسب اطلاعات و مصونیت از مخاطرات آتی را به عمل آورد (یزدانیان و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۴)؛ بنابراین در صورت استتکاف هریک از طرفین از ارائه اطلاعات در مرحله مذاکرات پیش‌قراردادی، مسئولیتی متوجه وی نخواهد بود (Yee, 2000: 22).

به عبارتی در قراردادهای فروش کالا تا مدت‌ها اصل سکوت حاکم بود. بر اساس این اصل بائع ملزم نبود تا خریدار را از عیوب و خطرات مبیع مطلع کند؛ بنابراین هنگامی که مشتری تصمیم به خرید محصولی می‌نمود می‌بایستی احتیاط و مراقبت‌های لازم را به عمل می‌آورد که کالای موضوع معامله از استاندارد کیفیت مورد انتظار برخوردار باشد تا برای استفاده در جهت مقاصد مورد نظر خریدار مناسب باشد (Yee, 2000: 9).

در قرن هجدهم میلادی، با پیچیده‌تر شدن روابط تولیدکننده و مصرف‌کننده و وجود حمایت از مصرف‌کننده نظریه فوق‌کارایی خویش را از دست داد (سلیمی و پارساپور، ۱۳۹۱: ۶۱). بر اساس قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۹۸۷ انگلستان، نبود هشدارها و اطلاعات لازم درباره نحوه مصرف کالا، نوعی عیب محسوب می‌شود. به همین دلیل، تولیدکننده یا فروشنده موظف است خریدار و سایر مصرف‌کنندگان را از اطلاعات و خطرات مربوط به کالا آگاه سازد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۱۳۴)؛ بنابراین مشاهده می‌شود که مقنن انگلیسی از اعمال اصل سکوت در حوزه حقوق مصرف‌کننده کالا عقب‌نشینی کرده است. اصولاً در حقوق انگلستان،

لزوم ارائه اطلاعات، به جدیت حقوق فرانسه دنبال نمی‌شود و عرف، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای به لزوم و یا عدم لزوم ارائه اطلاعات دارد (عابدیان و خروشی، ۱۳۸۸: ۲۱۹). کما اینکه رویه قضائی و عرف دادگاه‌ها در کشور موصوف، حداقل علم اجمالی نسبت به عوضین را شرط کافی در صحت قرارداد می‌دانند. به عبارتی در حقوق انگلستان برخلاف رویه مرسوم در حقوق ایران که تحقق قراردادهای معوض و مغایبه‌ای نیازمند علم تفصیلی به موضوع است، علم اجمالی به موضوع قرارداد برای لازم‌الاجرا بودن آن کافی دانسته می‌شود. در این نظام حقوقی، اصل بر این است که عوض قرارداد نباید کاملاً مبهم باشد؛ چرا که در صورت ابهام مطلق، دادگاه قادر به اجرای قرارداد نخواهد بود. با این حال، علم اجمالی برای اجرای قرارداد پذیرفته شده است؛ زیرا در عمل طرفین معمولاً تمام جزئیات قرارداد را به‌طور صریح و روشن مشخص نمی‌کنند.

وظیفه دادگاه در این چهارچوب، تفسیر مفاد قرارداد و پر کردن نقاط ناقص و مبهم است تا قرارداد لازم‌الاجرا گردد. به عبارت دیگر، در حقوق انگلستان، تعهدات قراردادی تنها از اراده طرفین ناشی نمی‌شود بلکه خود حقوق قراردادهای نیز به‌عنوان منبعی برای تعهدات و تکالیف طرفین محسوب می‌شود. در رویه قضائی، دادگاه‌ها به ندرت پذیرای این دفاع هستند که «به دلیل ابهام موضوع تعهد، قرارداد قابل اجرا نیست». یکی از قضات برجسته در این زمینه تأکید کرده است که: «واقعاً جای تعجب است که یکی از طرفین قرارداد با گنجانیدن عبارتی بی‌معنی یا مبهم بتواند از اجرای تعهدات خود شانه خالی کند» (Evan, 1997: 57).

البته نایستی از نظر دور داشت که در هر حال، کالا و موضوع قرارداد می‌بایست مطابق هم باشند؛ این مهم در ماده ۵۳ قانون بیع کالاها پیش‌بینی گشت. کما اینکه، طبق قانون مذکور، تخطی از این مهم، می‌تواند به انحلال قرارداد منجر گردد.

از طرفی، بدیهی است که در حقوق انگلستان، سکوت توأم با سونیت، اظهارات گمراکننده و تدلیس ضمان آور بوده و نه تنها مسبب مسئول جبران خسارت می‌باشد بلکه امکان پایان حیات قرارداد نیز وجود دارد (Treitel, 2003: 306).

در این خصوص، آرای صادره از محاکم انگلستان نیز بسیار جالب توجه است؛ به‌عنوان مثال در پرونده Lambert v Co-operative Insurance Society Ltd که در سال ۱۹۷۵ در دیوان عالی کشور انگلستان مورد بررسی قرار گرفت، در این دعوا، اطلاعاتی درباره وضعیت حقوقی یک ملک در جریان مذاکرات ارائه شده بود. بعدها مشخص شد این اطلاعات دقیق نبوده است و خریدار بر همان اطلاعات تصمیم به انعقاد قرارداد گرفته بود. دیوان عالی انگلستان تأکید کرد چنانچه اطلاعات ارائه‌شده در مذاکرات، در تصمیم‌گیری طرف مقابل نقش اساسی داشته باشد و

او بر آن اعتماد معقول کرده باشد، مسئولیت ناشی از ارائه اطلاعات نادرست باقی خواهد ماند. از این رو، نه تنها قرارداد قابل فسخ است بلکه خریدار حق مطالبه خسارت دارد (Lambert v Co-operative Insurance Society Ltd, 1975).

بنابراین، بررسی خط‌مشی حقوقی دو نظام برجسته یعنی حقوق انگلستان و حقوق فرانسه، به‌عنوان نمایندگان شاخص نظام‌های کامن‌لا و رومی-ژرمنی، تفاوت‌های بنیادین در برخورد با تعهد به اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی را آشکار می‌سازد. در حقوق انگلستان، اصل بر عدم وجود الزام کلی به افشای اطلاعات در مرحله مذاکرات قراردادی است. بدین معنا که طرفین، به‌ویژه فروشنده یا عرضه‌کننده، در حالت عادی مکلف به افشای تمامی اطلاعات مرتبط با موضوع معامله نیستند، مگر آنکه قانون خاصی مانند قانون حمایت از مصرف‌کننده ۱۹۸۷ یا عرف تجاری الزام‌آور، چنین تکلیفی را ایجاد کند؛ بنابراین، تعهد به اطلاع‌رسانی بیشتر استثنایی بر اصل آزادی قراردادی محسوب می‌شود که در مواردی خاص، به‌ویژه برای حمایت از مصرف‌کننده یا جلوگیری از فریب، اعمال می‌گردد.

درمقابل، در حقوق فرانسه و به‌ویژه پس از اصلاحات قانون مدنی در سال ۲۰۱۶، رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ شده است. طبق ماده ۱۱۱۲-۱ قانون مدنی فرانسه، ارائه اطلاعات مؤثر و تعیین‌کننده، تعهدی الزام‌آور تلقی می‌شود که تخطی از آن می‌تواند پیامدهای سنگینی همچون بطلان قرارداد یا الزام به جبران خسارت را به‌دنبال داشته باشد. اهمیت این تعهد چنان است که حتی توافق طرفین بر خلاف آن نیز فاقد اثر حقوقی است، چراکه با اصول نظم عمومی در تعارض قرار دارد. در واقع، تعهد به افشای اطلاعات صریح یا ضمنی، به‌ویژه در روابطی که میان طرفین تعادل اقتصادی یا اطلاعاتی برقرار نیست، به‌عنوان یکی از مصادیق اجرای اصل حُسن‌نیت در مرحله مذاکرات، واجد آثار الزام‌آور تلقی می‌شود.

به‌بیان‌دیگر، اگر در انگلستان تعهد به اطلاع‌رسانی بیشتر مبتنی بر قاعده استثنایی و شرایط خاص است، در فرانسه این تعهد واجد جایگاه اصولی و ساختاری در فرایند تشکیل قرارداد بوده و نقض آن می‌تواند حتی بدون تحقق فریب، موجبات بی‌اعتباری توافق را فراهم کند. این تفاوت آشکار، بازتاب‌دهنده دو نگاه متفاوت نسبت به نقش عدالت، حمایت از طرف ضعیف‌تر و جایگاه حُسن‌نیت در نظام‌های حقوقی متفاوت است.

نتیجه‌گیری

با توجه به پیچیدگی نظام تولید و توزیع و همچنین گستردگی و تنوع بازار مصرف، حمایت از حقوق مصرف‌کننده به امری بدیهی و ضروری تبدیل شده است. اگرچه اصولی مانند حاکمیت

اراده و آزادی قراردادها از گذشته‌های دور، از مبانی اساسی نظام‌های حقوقی مختلف از جمله حقوق ایران و انگلستان بوده‌اند؛ اما امروزه با توجه به تنوع قراردادها، پیچیدگی بازارها، تخصصی شدن دانش تولید، عرضه کالاهای متنوع، تبلیغات گسترده و استفاده از برندها و علائم تجاری، نابرابری در موقعیت طرفین قراردادها به وضوح قابل مشاهده است. در چنین شرایطی، یکی از مهم‌ترین حقوق مصرف‌کننده، حق آگاهی و انتخاب پیش از انعقاد قرارداد است که می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری قراردادهایی مطلوب و پایدار باشد.

در حقوق ایران، مبانی الزام به اطلاع‌رسانی در دوره پیش‌قراردادی عمدتاً در مقررات عمومی سنتی یافت می‌شود و برخی قوانین خاص نیز به این الزام اشاره دارند. همچنین، برخی مقررات خاص با رویکرد حمایت از مصرف‌کننده، گام‌هایی را در جهت نظام‌مند کردن امر تبلیغات برداشته‌اند. با این حال، فقدان وجود یک قانون جامع و مدون در این زمینه کاملاً محسوس است؛ به‌ویژه در عصر حاضر که ارتباطات مجازی و تبلیغات در فضای سایبر نسبت به فضای سنتی بسیار گسترده‌تر شده و امکان ارائه تبلیغات گمراه‌کننده به مراتب آسان‌تر شده است. دکترین حقوقی کشور نیز به‌خوبی تحلیل کرده‌اند که در صورت بروز خسارت ناشی از عدم ارائه اطلاعات لازم، متعهد موظف به جبران خسارت خواهد بود.

در نظام حقوقی انگلستان، گرایش سنتی بر عدم الزام عرضه‌کننده به ارائه اطلاعات در دوره پیش‌قراردادی و انتظار کشف تمامی اطلاعات توسط مصرف‌کننده بوده است؛ اما این نظام حقوقی نیز با توجه به مقتضیات زمان، به سمت الزام عرضه‌کنندگان به افشای اطلاعات در این مرحله حرکت کرده است. با این حال، هیچ‌یک از این دو نظام حقوقی - ایران و انگلستان - به اندازه قانون مدنی جدید فرانسه در سال ۲۰۱۶ به این موضوع اهمیت نداده‌اند.

قانون جدید فرانسه، به‌ویژه ماده ۱-۱۱۱۲، اهمیت ویژه‌ای به ارائه اطلاعات تعیین‌کننده داده است؛ به گونه‌ای که در صورت خودداری شخص آگاه از ارائه چنین اطلاعاتی، ممکن است قرارداد به نفع طرف مقابل ابطال شود. همچنین لازم به ذکر است که این مقرر جنبه نظم عمومی دارد و شرط خلاف آن پذیرفته نیست. بهره‌گیری از این معیار حقوقی در حقوق ایران می‌تواند به کاهش مشکلات حقوقی کشور در خصوص اختلافات ناشی از تعهد به ارائه اطلاعات در قراردادها کمک کند و به کاهش پرونده‌های قضائی در این حوزه بینجامد.

در پایان، نباید از نظر دور داشت که در هر سه نظام حقوقی مذکور، مصرف‌کننده متضرر، این حق را دارد که از طریق محاکم قضائی، احقاق حق نموده و بسته به شرایط مختلف، قرارداد را منحل و یا مطالبه خسارت نماید.

منابع

- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸). حقوق تعهدات. تهران: نشر میزان.
- امینی، منصور و قاسمی عهد، وحید (۱۳۹۱). تعهد بیمه‌گذار به خودداری از اظهار نادرست در مرحله مذاکرات پیش قراردادی. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۵(۸).
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۲). *المکاسب*. تهران: انتشارات دهاقانی.
- اوصیا، پرویز (۱۳۵۶). *تدلیس در حقوق ایران، اسلام، انگلیس و فرانسه، گردآوری به‌وسیله ناصر کاتوزیان*. چاپ اول، تهران: سازمان چاپ دانشگاه تهران.
- ایزانلو، محسن و لطفی، احسان (۱۳۹۰). درباره تعهد بیمه‌گذار به اطلاع‌رسانی. *فصلنامه حقوق دانشکده تهران*، (۴۱).
- باریکلو، علیرضا و خزایی، سید علی (۱۳۹۰). اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره پیش قراردادی؛ با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه. *مجله حقوقی دادگستری*، (۷۶).
- پاکباز، سیامک (۱۴۰۱). *شرح قانون مدنی فرانسه*. تهران: نشر میزان.
- جابری، عصمت‌الله (۱۳۸۶). *حقوق مصرف‌کننده*. تهران: نشر دادیار.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: میزان.
- جنیدی، لعیا (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی تعهد به دادن اطلاعات با تأکید بر نظام‌های کامن‌لا. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، (۵۶).
- جوانمردی، ناهید و ذوالفقاری‌نژاد، محمد (۱۳۹۶). آثار نقض تکلیف اطلاع‌رسانی در حقوق قراردادها در حقوق ایران و انگلیس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- خالدی دو برجی، پری؛ قاسمی حامد، عباس و بهشتی، اکرم (۱۳۹۹). حقوق مصرف‌کننده در مرحله پیش‌قراردادی با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس. *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کفیری*، (۴۴).
- ذاکری‌نیا، حانیه (۱۳۹۴). اقسام، احکام و آثار معاذیر عدم اجرای قرارداد (مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران، رومی ژرمنی، کامن‌لا و برخی اسناد بین‌المللی). *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، سال نوزدهم، (۲).
- ذوالفقاری‌نژاد، محمد (۱۳۹۶). آثار نقض تکلیف اطلاع‌رسانی در حقوق ایران و انگلستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سلیمی، فضا و پارساپور، محمدباقر (۱۳۹۱). مبانی مسئولیت تولیدکننده در برابر مصرف‌کننده. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، (۱۴).

- سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۹۴). *الوسیط فی شرح القانون المدنی* - دوره حقوق تعهدات - قواعد عمومی قراردادها. ترجمه سیدمهدی دادمرزی و محمدحسین دانش کیا، جلد اول، قم: انتشارات دانشگاه قم.
- شهیدی، مرتضی و شمس‌الهی، محسن (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی تعهد ایجابی ناشران اوراق بهادار به افشای اطلاعات در حقوق ایران و آمریکا. *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۴(۱).
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). *حقوق مدنی: تشکیل قراردادها و تعهدها*. تهران: نشر حقوق دان.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). *شروط ضمن عقد*. تهران: انتشارات مجد.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۲). *سقوط تعهدات*. تهران: انتشارات مجد.
- صفایی، حسین (۱۳۹۱). *دوره مقدماتی حقوق مدنی*. تهران: انتشارات سمت.
- طالب احمدی، حبیب (۱۳۸۸). *تقصیر در گفتگوهای مقدماتی*. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۱(۳).
- طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۰). *اطلاع‌رسانی پیش قراردادی*. *مطالعات حقوقی*، ۴(۴).
- عابدیان، میرحسین و خروشی، عبدالعظیم (۱۳۸۸). *تعهدات پیش قراردادی بیمه‌گر و جای خالی آن در لایحه بیمه تجاری*. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۵۰(۵۰).
- عبدپور، ابراهیم و قاسم‌زاده، روح‌الله (۱۳۹۰). *پایه‌های نظری موافقان و مخالفان تحمیل وظیفه عام ارائه اطلاعات در قراردادها*. *پژوهش‌های تطبیقی*، ۱۵(۱).
- عراقی، عزت‌الله (۱۳۸۸). *حقوق کار*. تهران: انتشارات سمت.
- علامه حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- عیسائی تفرشی، محمد و رحیم‌نژاد، فریده (۱۳۹۴). *قلمرو تعهد به ارائه اطلاعات به مصرف‌کننده در حقوق ایران و انگلیس*. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، سال نوزدهم، ۳(۳).
- قاسمی حامد، عباس (۱۳۷۵). *معرفی حقوق مصرف‌با مقدمه‌ای از مترجم*. *حقوق بین‌المللی*، ۲۳(۲۳).
- قاسمی حامد، عباس (۱۳۸۸). *متخصص، متعهد ارائه اطلاعات به مصرف‌کننده در حقوق فرانسه*. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۴۹(۴۹).
- قاسمی حامد، عباس و طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۰). *اطلاع‌رسانی پیش قراردادی*. *مجله مطالعات حقوقی*، ۴(۴).
- قاسمی حامد، عباس و فلاح، آرزو (۱۳۹۳). *دعاوی گروهی و تأثیر آن بر حمایت از حقوق مصرف‌کننده*. *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۶۵(۶۵).
- قنوتی، جلیل و جاویر، حسین (۱۳۸۵). *مطالعه تطبیقی سوء‌عرضه قابل تعقیب در حقوق انگلیس*،

ایران و فقه امامیه. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۰(۳).

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴. الف). دوره عقود معین. جلد یکم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴. ب). مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). دوره مقدماتی حقوق مدنی - اعمال حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). درس‌هایی از عقود معین. ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). قواعد عمومی قراردادها. تهران: انتشارات گنج.

موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۵). قواعد فقه. تهران: انتشارات مجد.

نائینی، محمدحسین (۱۳۵۸). منیه الطالب فی شرح المکاسب. قم: نشرات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

یزدانیان، علیرضا؛ داراب‌پور، مهرباب؛ آیتی، سید محمدرضا و حبیبیان، هدیه (۱۴۰۰). تأثیر حقوق قراردادهای اروپا بر اصلاحات حقوق تعهدات فرانسه در مرحله پیش‌قراردادی. فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه‌نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۳(شماره ویژه).

Banakas, Stathis (2009). *Liability for contractual Negotiations in English law: looking for the Litmus Test*. university of East Anglia, Barcelona.

Bloemendal, Lan (2003). *Per-contractual Negotiations and legal obligations*. Seminar in law society House, Queensland law Society.

Cramaso LLP v Viscount Reidhaven's Trustees [2014]. UKSC 9 (Supreme Court of the United Kingdom).

Evan, Mckendrick (1997). *Contract law: Text, cases and materials*, kings college London, 11e.

French Law Blog (2025, May 27). Decisiveness required for pre-contractual duty to inform. Retrieved February 13, 2026, from <https://frenchlaw.blog/2025/05/27/decisiveness-required-for-pre-contractual-duty-to-inform>.

Irakli, Tedoradze (2017). The Principle of Freedom of Contract, Pre-contractual obligation legal Review English, EU and US Law, *European Scientific Journal*.

Lambert v Co-operative Insurance Society Ltd [1975]. 2 Lloyd's Rep 485 (Court of Appeal).

Musy, Alberto M. (2001). *The Good faith Principle in Contract Law and the Precontractual Duty to Disclose: Comparative Analysis of New Differences in Legal Cultures*. The Berkeley Electronic Press: Global Jurist Advances, Art.1.

Starck, Boris, Roland, Henri et Boyer, Laurent (1993). *Droit civil, Obligations, Contrat*. Librairies techniques, Paris.

Treitel, G. (2003). *The law of Contract*. London: Sweep and Maxwell.

Yee, WP. (2002). Rethinking A Principle Underlying Contract Law. *Singapore Law Review*, (22).